

نبرد خلق

مردم ایران
نمایش انتخاباتی
رژیم را تحریم کنید

کارگران همه کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

آمریکا کانادا ۱ دلار، آلمان ۲ مارک، فرانسه ۷ فرانک
NABARD - E - KHALGH No 175. 22 Decem 1999

شماره ۱۷۵ دوره چهارم سال شانزدهم - اول دی ۱۳۷۸
\$ 1.2 DM. 7 Fr

آغاز هزاره سوم میلادی، آغاز قرن بیست و یکم و آغاز سال ۲۰۰۰

بر تمامی مردم جهان مبارک باد
با آرزوی این که قرن بیست و یکم قرن رهایی بشریت
و تحقق آزادی، پیشرفت، دموکراسی، عدالت، صلح و عشق و دوستی برای همه باشد.

یادداشت سیاسی

— مهدی سامع
مهلت ثبت نام برای کاندیداشدن در نمایش انتخابات دوره ششم مجلس ارتجاع با ثبت نام ۶ هزار و ۳۵۶ مرد و ۵۰۴ نفر زن به پایان رسید. کلیه کسانی که برای این انتخابات ضد دموکراتیک کاندیدا شدند، رسماً سرسپردگی خود را در شکل اعلام اعتقاد و التزام به ولایت مطلقه فقیه اعلام کرده اند و بنابراین در مورد داوطلبان شرکت در این اقدام ضد دموکراتیک هیچ شبه ای منعی بر اصلاح طلب بودن آنان وجود نخواهد داشت. با این حال صلاحیت همین افراد به وسیله شورای نگهبان برگزیده خامنه ای بررسی خواهد شد و مسلماً تعداد قابل توجهی از داوطلبان توسط شورای نگهبان صلاحیتشان رد خواهد شد. اما نکته مهم در اقدام شورای نگهبان این است که آیا این شورا که گوش به فرمان خامنه ای است حاضر است ریسک غیر صالح بودن بعضی از افراد مهم جناح ۲ خردادی را بپذیرد یا نه؟ سخنان خامنه ای در نماز جمعه روز ۲۶ آذر و این که وی مجبور شد برای مقابله با موجی که محاکمه عبدالله نوری علیه وی و دادگاه تفتیش عقاید تحت امر او ایجاد شده به میدان آید و نسبت به حفظ نظام، هشدار دهد، نشان می دهد که خامنه ای به طور خاص و مجموعه جمعیت مؤتلفه اسلامی و گروههای همسو با آن، نسبت به نتیجه این انتخابات بسیار نگران و درهم ریخته هستند. نباید فراموش کرد که چهار سال قبل همین گروهها حاضر نشدند پیشنهاد رفسنجانی برای گنجاندن نام ۵ نفر از کارگزاران در لیست جامعه روحانیت مبارز را قبول کنند.

بقیه در صفحه ۲

جامعه جهانی

جنبشی جهانی علیه تجارت جهانی

صفحه ۵ و ۶
آینده نقش از زنان دارد
صفحه ۷ و ۸

درسهایی برای قرن بیست و یکم کابرال معمار انقلاب ضد استعماری گینه بیسائو

صفحه ۹ و ۱۰
دیدگاهها —
وحدت ناپذیر
نکاتی در باره قیام پنج روزه
دانشجویان

صفحه ۱۲
ایتالیا —
برنامه تلویزیونی در باره حکم اعدام
صفحه ۱۳

خاطراتی از زندان

صفحه ۱۴
در گوشه و کنار جهان
صفحه ۱۳

زنان ایران به نمایش انتخاباتی

رژیم پاسخ منفی می دهند

وزارت کشور رژیم جمهوری اسلامی امروز اعلام کرد که ۶۱ هزار و ۸۶۰ تن داوطلب نمایندگی ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در سراسر ایران شده اند. بنا به اطلاعیه این وزارتخانه که خبرگزاری رژیم ایران (ایرنا) امروز آن را مخابره نمود در بین داوطلبان نمایندگی مجلس ارتجاع حاکم بر کشور ما، تنها ۵۰۴ نفر زن (۷/۳ درصد) وجود دارد. این تعداد اندک از داوطلبان زن نشان می دهد که زنان ایرانی با آگاهی و هوشیاری

خود به این نمایش انتخاباتی پاسخ منفی داده اند. آن چه مسلم است شورای نگهبان رژیم، تعداد زیادی از این کاندیداها که به ولایت فقیه اعلام سرسپردگی کرده اند را رد صلاحیت خواهد نمود.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در اطلاعیه مورخ ۱۹ آذر خود این نمایش انتخاباتی را ضد دموکراتیک و علیه مردم ایران اعلام نمود و آن را به طور کامل تحریم کرد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
شنبه ۲۷ تیر ۱۳۷۸
۱۸ دسامبر ۹۹

بزرگداشت قیام سیاهکل

تأثیر آن بر روند جنبش اجتماعی مردم ایران
و درسهای آن برای مبارزه امروز

سخنران: مهدی سامع

موسیقی: ارس (واحد موسیقی کارگاه هنر ایران)

زمان: یکشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۷۸ (۶ فوریه ۲۰۰۰)

ساعت ۲/۵ تا ۶ بعد از ظهر

محل: سالن شماره ۴، ایستگاه مرکزی دنهاگ - هلند

ZAALCENTRUM
CENTRAAL STATION DENHAAG

سرتگون باد رژیم استبدادی-مذهبی ولایت فقیه با تمام دسته بندیهای درونی آن

هرچه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی

دادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱
اما امروز خامنه ای در آن چنان وضعیت ضعیف و بحرانی است که دست به دامن رفسنجانی شده و می خواهد نام او را بر صدر لیست جناح خودش گنجانده و سپس او را بر صدر ریاست مجلس ارتجاع قرار دهد.

این ترغیب گرچه اکنون و در گام اول برای خامنه ای کارساز شده و منجر به تشتت در درون جبهه ۲ خردادیها شده است. اما رفسنجانی پادزهری نیست که بتواند زهر ۲ خرداد را خنثی کند و تازه باید دید که رفسنجانی بر چه مجلسی می خواهد ریاست کند. بر فرض که شورای نگهبان تحت امر خامنه ای بتواند تمام عناصر شناخته شده و به قول معروف سرکردگان جناح ۲ خرداد را رد صلاحیت نماید. آیا بدین ترتیب نتیجه انتخابات به سود خامنه ای خواهد شد. به بیان دیگر آیا ابزار شورای نگهبان به اضافه وجود رفسنجانی کافی خواهد بود که مجلس ششم در ترکیب کلی اش همچون مجلس پنجم از آب درآید و خامنه ای اکثریت نسبی خود را در آن حفظ نماید؟ از مجموعه رویدادهایی که طی دو سال و نیم گذشته اتفاق افتاده می توان احتمال بیشتر را این دانست که برای خامنه ای این دو ابزار برای تثبیت هژمونی اش کافی نیست و اصولاً ابزارهایی که تاکنون خامنه ای در مقابل رقبا از آن استفاده کرده، هر نتیجه ای که در گام اول برای او در بر داشته. در گامهای بعدی کاملاً به ضد خود تبدیل شده است. همین که امروز جمعیت مؤتلفه اسلامی و گروههای همسو با آن مجبورند از رفسنجانی مجبیزگویی کنند. نشان می دهد که چاقوی ولی فقیه کندتر از آن است که بتواند به تنهایی وارد جدال انتخاباتی شود. به نظر می رسد خامنه ای به شیوه های معمول و با استفاده از ابزارهایی که رقبایش از آن استفاده می کنند و با متوسل شدن به رفسنجانی و استفاده از شورای نگهبان نمی تواند به اهداف خود دست یابد. برای این که خامنه ای بتواند هژمونی خود را در درون نظام تثبیت کند و مجبور نباشد در گامهای بعدی به رقبا تسلیم شود. باید بتواند به شیوه های خمینی گونه متوسل شود. این که سال جاری را خامنه ای سال خمینی نامید، به تنهایی برای او کارساز نیست. مؤتلفه اسلامی و گروههای همسو با آن، طرفداران ذوب در ولایت، و نظام عدل اسلامی، از خامنه ای عمل خمینی گونه می خواهند.

انتخابات ششمین دوره مجلس ارتجاع در روز ۲۹ بهمن برگزار می شود یک ماه بعد از آن سال خمینی به پایان می رسد. بدین ترتیب گذشت زمان نه فقط به لحاظ ضد تاریخی بودن نظام ولایت فقیه، بلکه به لحاظ تاکتیکی و عمل سیاسی روزمره به ضرر خامنه ای است. در انتخاباتی که در پیش است یک بار دیگر خامنه ای ظرفیت و توانایی

خود را برای در تن داشتن قیای ولایت فقیه به نمایش خواهد گذاشت. اگر خامنه ای نتواند خمینی گونه عمل کند، هر میزان از تصفیه شورای نگهبان و هر ترغیب توطئه گرانه رفسنجانی به اضافه هر مقدار از اعلام سرسپردگی و وفاداری مشمئزکننده خاتمی، نمی تواند برای خامنه ای مجلس مناسب تر از ولایت خامنه ای عمیق تر از آن است که با توسل به مانورهای آخوند توطئه گر و بساز و بفروشی مثل رفسنجانی بتواند به تخفیف تضادها و کشمکشهای آن پرداخت. دستاورد مجلس ششم ارتجاع برای ولایت خامنه ای، چیزی جز تشدید تضاد و گسستگی هر چه بیشتر نخواهد بود.

...

شروع دور جدید مذاکرات نخست وزیر اسرائیل با وزیر امور خارجه سوریه در حضور رئیس جمهور آمریکا، یکی از مهمترین رویدادهای سیاسی در ماه گذشته بود. در این مذاکرات که روز چهارشنبه ۲۴ آذر در کاخ سفید آغاز شد، اهودباراک نخست وزیر اسرائیل و فاروق الشرع وزیر امور خارجه سوریه، طی یک دور چند روزه مذاکرات کاملاً محرمانه ابراز امیدواری کردند که بتوانند به صلحی پایدار دست یابند. قرار است این مذاکرات در نیمه اول ژانویه سال آینده میلادی ادامه پیدا کند. در جریان این مذاکرات و پس از آن تفسیرهای مختلف از جوانب مختلف پیرامون آن انتشار یافت. برای نیروهایی که مدافع صلح و تحقق حقوق مسلم فلسطینیها هستند و بحران در منطقه را به زیان جنبش ترقیخواه می دانند، پیشرفت مذاکرات صلح بین اسرائیل و سوریه یک رویداد مثبت است. ما نیز همچون تمامی نیروهای ترقیخواه، خواستار پیشرفت صلح عادلانه بین اسرائیل و همسایگانش و تحقق حقوق مسلم مردم فلسطین که مهمترین آن ایجاد دولت مستقل فلسطین است می باشیم.

برای ما این مذاکرات و پیشرفت آن از جنبه های دیگر نیز باید مورد توجه قرار گیرد. این جنبه ها به طور خلاصه به قرار زیر است:

۱- پیشرفت مذاکرات صلح بین اسرائیل و سوریه به طور کلی جبهه نیروهای طرفدار ایجاد جنگها و بحرانیهای منطقه ای را تضعیف خواهد کرد.

۲- این مذاکرات سبب تضعیف بیشتر نیروهای راست افراطی و سخت سران در اسرائیل خواهد شد.

۳- پیشرفت مذاکرات صلح بین اسرائیل و سوریه، دیکتاتوری حافظ اسد را از یکی از ابزارهای در مقابله با جنبش ترقیخواه آن سود می جست محروم خواهد کرد.

۴- پیشرفت این مذاکرات به تضعیف اهداف رژیم جمهوری اسلامی در منطقه منجر خواهد شد. نظام ولایت فقیه از یکی از مهمترین حوزه های فعالیت خود برای توسعه بنیادگرایی اسلامی محروم خواهد شد.

در مجموع می توان گفت که اگر مذاکرات صلح بین سوریه و اسرائیل پیشرفت کند تمامی نیروهای ترقیخواه در منطقه به ویژه جنبش ترقیخواهانه مردم ایران که در ضدیت کامل با سیاستهای توسعه طلبانه و هژمونی طلبانه و مداخله گرانه نظام ولایت فقیه است سود خواهند برد.

انتخابات مجلس ارتجاع و شرایط داوطلبان نمایندگی

قرار است از فردا، کسانی که داوطلب نمایندگی برای انتخابات ششمین دوره مجلس رژیم هستند به مدت یک هفته ثبت نام کنند. وزارت کشور جمهوری اسلامی اعلام نموده که از روز ۲۰ تا ۲۶ آذر ۱۳۷۸ (۱۱ تا ۲۷ دسامبر ۱۹۹۹) از «داوطلبان ششمین دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی» ثبت نام خواهد کرد.

بر اساس اطلاعیه وزارت کشور شرایط داوطلبان نمایندگی برای ششمین دوره مجلس ارتجاع «اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی» (ایران ۱۴ آذر ۱۳۷۸) و «ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مرفی ولایت مطلقه فقیه» (ایران ۱۴ آذر ۱۳۷۸) است. بدین ترتیب کسانی که برای این انتخابات کاندیدا می شوند به اصل ارتجاعی و ضد مردمی «ولایت مطلقه فقیه» «ابراز وفاداری» نموده و حاکمیت ننگین ولایت فقیه را «مرفی» اعلام می کنند. همچنین کسانی که برای این انتخابات داوطلب نمایندگی می شوند باید «اعتقاد» خود به «اسلام» و «نظام جمهوری اسلامی» را رسماً اعلام کنند. این عمل یعنی صحنه گذاشتن به سیستم تقیث عقایید در نظام ارتجاعی ولایت فقیه و تایید استبداد مذهبی این رژیم. زیرا در اینجا مسأله فقط سپردن «التزام» نیست، بلکه اعلام «اعتقاد» به «اسلام» و «نظام ولایت فقیه» است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران انتخابات ضد دموکراتیک ششمین دوره مجلس ارتجاع را تحریم می کند. افراد ی که برای این انتخابات ضد دموکراتیک کاندیدای نمایندگی می شوند عملاً به نظام استبدادی - مذهبی ولایت فقیه اظهار وفاداری کرده و به سیستم تقیث وفاداری رژیم مهر تایید می زنند و بنابراین با این اقدام ننگین و خائنه خود در مقابل جنبش ترقیخواهانه مردم ایران قرار می گیرند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

جمعه ۱۹ آذر ۱۳۷۸

دروغگویی فائزه رفسنجانی

— زینت میرهاشمی

فائزه هاشمی رفسنجانی در یک مصاحبه مطبوعاتی پیرامون شخصیت پدرش و نفرت جوانان از علی اکبر هاشمی رفسنجانی و بعضی مسائل دیگر اظهار نظر کرده است. روزنامه عصر آزادگان در شماره روز پنجشنبه ۲۵ آذر نکات اصلی این اظهارنظرها را چاپ کرده است. فائزه رفسنجانی پیرامون مخالفت جوانان با علی اکبر هاشمی رفسنجانی می گوید: کسانی که چنین قضاوتی می کنند اطلاع کمی از شخصیت ایشان دارند و عموماً از جوانهای بعد از انقلاب هستند. فائزه رفسنجانی همچنین پیرامون قتلهای سیاسی زنجیره ای نیز پدرش را از دست داشتن در این قتلها می راند. اگر نخواهیم به مقاله های اکبر گنجی که در ماه گذشته انتشار یافت و بسیاری از قتلهای سیاسی در دوران ریاست جمهوری علی اکبر هاشمی رفسنجانی را افشاء کرد استناد کنیم. حکم دادگاه برین و شرکت علی اکبر هاشمی رفسنجانی به عنوان یکی از آمران ترورهای کافیسیت که معلوم شود که فائزه رفسنجانی نشان از پدر برده و یک دروغگو است. اما در مورد اول درست بر خلاف نظر فائزه رفسنجانی، علت تنفر و انزجار جوانان کشور ما از علی اکبر هاشمی رفسنجانی عدم اطلاع آنان نیست. چرا که این جوانان در درون همین نظام پرورش یافته اند هر روزه در صفحه تلویزیون با حرفهای رفسنجانی گوششان پر شده است. در بسیاری از نماز جمعه ها این رفسنجانی بود که دروغهای بزرگ تحویل مردم می داد و چندین روزنامه و هفته نامه و ماهنامه به طور ممتد پیرامون رفسنجانی به طور روزمره اطلاعات چاپ کرده و می کنند. خاطرات علی اکبر هاشمی رفسنجانی به طور روزمره در روزنامه اطلاعات چاپ شده و به طور مستقل نیز انتشار یافته است. در مجموع می توان گفت که در رژیم جمهوری اسلامی به جز خمینی، هیچ کس دیگر به اندازه علی اکبر هاشمی رفسنجانی برای تبلیغ نظرات خود و شناساندن خود امکانات در اختیار نداشته و البته از این امکانات به نحو احسن استفاده کرده است. بنا بر این استدلال فائزه رفسنجانی مبنی بر بی اطلاعی جوانان کشور ما از شخصیت پدرش، حرف پوچی است که فائزه می خواهد بدین وسیله واقعیت را پنهان کند. واقعیت این است که علت تنفر و انزجار جوانان میهن ما از علی اکبر هاشمی رفسنجانی، عملکرد او و شخصیت توطئه گر و مزورانه وی می باشد. علی اکبر هاشمی رفسنجانی البته برای فرزندان، فامیل و اطرافیانشان منافع سرشاری داشته است. اما عملکرد او برای اکثریت قاطع جوانان کشور ما چیزی جز گسترش سرکوب، فشار، بیکاری و فقر نبوده است.

در رسانه های جمعی -

اخبار سرکوب، کشتار و تروریسم

تلویزیون رژیم ۲۴ آبان: اعضای هیأت منصفه مطبوعات در پایان جلسه رسیدگی به اتهامات مدیران مسئول هفته نامه پنجشنبه ها، و ماهنامه شبکه که صبح امروز در شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی برگزار شد. اعلام کردند که مدیر مسئول هفته نامه پنجشنبه ها را در اکثر موارد اتهامی مقصر می دانند. هیأت منصفه مدیر مسئول هفته نامه پنجشنبه ها را مستحق تخفیف مجازات ندانست. اعضای هیأت منصفه دادگاه مطبوعات همچنین مدیر مسئول ماهنامه شبکه را مقصر دانست اما مستحق تخفیف دانستند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۲۸ آبان: به گزارش روزنامه های حکومتی روز پنجشنبه ۲۷ آبان، دادگاه انقلاب رژیم آخوندی در شهر شیراز در جنوب ایران دو نفر به نامهای حسین رضا محبور و بابک پیله در را به قطع دست راست و پای چپ محکوم کرد. علاوه بر این، هر یک از آنان به شصت ضربه شلاق و هفت سال زندان محکوم شدند. رژیم آخوندی در اوایل هفته جاری از اعدام ۱۰ نفر در اراک (مرکز استان مرکزی) خبر داده بود.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۲۹ آبان: تلویزیون رژیم ملایان امروز اعلام کرد که دو زندانی در مشهد به موجب حکم دادگاه انقلاب این شهر به دار آویخته شدند. این سومین بار است که طرف ۶ روز گذشته رژیم ملایان خبرهای اعدامها و مجازاتهای وحشیانه را منتشر می کند.

روزنامه خرداد ۲۹ آبان: دانشجویان در بند زندان تبریز با نوشتن نامه یی به رئیس شعبه ۶ دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان شرقی نسبت به ادامه بازداشت ایوب سلیمی دانشجویی که در جریان فاجعه دانشگاه تبریز مورد اصابت سه تیر قرار گرفته بود. اعتراض کردند. پنج دانشجوی دربند در این نامه با اشاره به این که به امید اجرای عدالت سکوت اختیار کرده اما این ستم ناخواسته اثرات نامطلوبی در جسم و روح آنان می گذارد نوشته اند: آقای ایوب سلیمی دانشجویی که مورد اصابت سه تیر از جانب پای راست قرار گرفته است در زندان در شرایط نامطلوب جسمی و روحی قرار دارد. در حالی که ایشان برای بهبودی پای زخمی خویش مجبور به استفاده از داروهای قوی و ضد چرک می باشد و باید از غذاهای مقوی و خون ساز و انواع آب میوه استفاده کند و تحت مراقبت محبت و پدیر و مادر خویش باشد تا مراحل بهبودی اش به سرعت طی شود.

هفته نامه امید جوان ۳۰ آبان: رجبعلی طاهری نماینده سابق مردم شیراز در مجلس و مدیر مسئول نشریه انتظار فاش کرد که خسرو قشقایی از رهبران ایل قشقایی به او اعتماد کرده بود ولی یکی از

اعلام قتلهای زنجیره یی موجب اعدام وی شد. طاهری گفته است من برای خسرو قشقایی از حضرت امام نامه گرفتم آن امان نامه را به اطلاع آقای هاشمی رفسنجانی و رئیس جمهور وقت خامنه ای رساندم. سپس به خسرو قشقایی اطلاع دادم که از امام برایت امان نامه گرفته ام. او هم به من اعتماد کرد که به خانه من بیاید و بعد هم در گوشه یی از تهران به زندگی عادی خود ادامه دهد. با این وجود در حالی که خسرو قشقایی در حمام منزل من در حال استحمام بود گروه مصطفی کاظمی او را گرفتند با این ادعا که قصد فرار داشته است. در نهایت به من هم وقت ملاقات با قشقایی را ندادند و او را اعدام کردند.

روزنامه خرداد ۳۰ آبان: هیأت نظارت بر مطبوعات از نشریه آوا به دلیل درج اخبار مربوط به آیت الله منتظری شکایت کرد. به گزارش نشریه آوا، مصطفی ایزدی مدیر مسئول نشریه مذکور روز چهارشنبه ۲۶ آبان ماه با حضور در شعبه ۱۴۱۰ مجتمع قضایی شهید بهشتی، از اتهامات خود مطلع و توسط قضای مرتضوی تفهیم اتهام شد.

روزنامه پیام آزادی ۳۰ آبان: در حالی که بیش از چهار ماه از فاجعه کوی دانشگاه می گذرد، هم چنان تعداد کشتیری از دانشجویان در زندان اوین به سر می برند. از آن جمله اند: خالد رستم زاده، شاهرخ پارسا، اسماعیل قربانی، مجید نیارمی، اصغر اصغری، مهرداد میرابی، شهاب دهقان، جمشید نجفی، مصطفی کلانتری، اکبر محمدی، مهاجرزاده، حنا صاب ابراهیم، شنیده می شود که در بندهای جوانان و نسوان زندان اوین تعدادی از دانش آموزان و دانشجویان در بند هستند. از بین کسانی که حکم محکومیتشان بدون حضور وکیل و هیأت منصفه قطعی شده است می توان به نامهای زیر اشاره کرد: محمدرضا کسرائی ۱۰ سال، احمد باطبی ۱۰ سال، مزدهک گرگ یراقی ۱۰ سال، علی علی نژاد سه سال و نیم، فرخ شفیعی ۲ سال تمیزی ۲ سال سه سال تعلیقی، عیدی ۱ سال و آرش افتخاری ۱ سال. اسامی فوق منهای اعضای حزب ملت است که هر کدام از آنها نیز به حبسهای بین ۶ ماه تا ۱۰ سال محکوم شده اند.

روزنامه خرداد اول آذر: جامعه مستقل دانشجویی دانشگاه امیرکبیر در بیانیه ای از نهادهای مسئول و دستگاههای قضایی درخواست کرد. موجبات پایان دادن به بازداشتهای غیر قانونی دانشجویانی که اتهام مشخصی ندارند و برگزاری دادگاه علنی با حضور هیأت منصفه و وکیل شخصی برای دانشجویان متهم را فراهم آورند. این تشکل دانشجویی همچنین با اشاره به این که دانشجویان متهم، اغلب از اعضای کانون مستقل دانشجویان دانشگاه تبریز هستند، خواستار بهبود وضعیت بازداشتگاهها، جلوگیری از آزار زندانیان، ممانعت از بازجوییهای غیر قانونی و تشکیل کمیته های تحقیق و ارایه گزارش رسمی به مردم توسط مسئولان شد، در حالی که هنوز تکلیف

وضعیت معقولین یا شهدای این حادثه که در اطلاعیه های قبلی شورای متحصنین اعلام شده بود معلوم نیست و مسببان جنایات رخ داده هرگز رسماً معرفی نشده اند و صرفاً به بازداشت و آزار اذیت دانشجویان تحت عنوان «پیگیری حوادث اخیر» اکتفا شده است. جامعه مستقل دانشجویی در بیانیه خود همچنین از برخورد با دانشجویان دانشگاه تبریز و موج بازداشتها و محکومیتهای آنان انتقاد کرده است.

خبرگزاری فرانسه ۲ آذر: از رئیس دادگاه انقلاب تهران غلامحسین رهبرپور نقل شده که حکمهای اعدام رهبران ناآرامی خشونت آمیز که در ماه ژوئیه تهران را تکان داد توسط دادگاه تجدید نظر مرکز تایید شده است. روزنامه صبح امروز به نقل از رهبرپور در سخنرانی روز دوشنبه برای دانشجویان نوشت که از ۴ دانشجویی که محکوم به مرگ شده بودند حکم سه نفرشان به مرگ توسط دادگاه تجدید نظر تایید شده است و یک نفر دیگر به علت این که دیوانه بوده تبرئه شده است. سه نفری که محکوم شدند می توانند تقاضای عفو کنند.

روزنامه جمهوری اسلامی ۲ آذر: اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران، استفاده از دبیران مرد در دبیرستانهای دخترانه دولتی و غیر انتفاعی مناطق نوزده گانه این شهر را ممنوع اعلام کرد. ممنوعیت حضور معلمان مرد در دبیرستانهای دخترانه، در نشست رؤسای آموزش و پرورش مناطق نوزده گانه تهران اتخاذ شده است. به گزارش روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران، استفاده از دبیر مرد در مراکز پیش دانشگاهی به شرط آن که کلاسهای برنامه مصوب، از کلاسهای فوق برنامه و کنکور در این اماکن قابل تفکیک باشد و موجب اختلاط دبیر مرد و دانش آموزان دختر نشود، با مجوز رئیس منطقه و کنترل دقیق مدیر مدرسه بلامانع است. اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران در عین حال تاکید کرد که استفاده از دبیر مرد در صورتی امکان پذیر است که دبیر زن مشابه در منطقه وجود نداشته باشد.

روزنامه آزاد آذر ۴ آذر: به گزارش خبرنگار خرداد، محسن اژه یی رئیس دادگاه ویژه روحانیت که در جمع طلاب مدرسه معصومیه قم سخن می گفت، در پاسخ به سؤالی در خصوص رفع حصر از آیت الله منتظری، با اشاره به یکی از مصوبات شورای عالی امنیت ملی گفت: در جلسه ای، شورای عالی امنیت ملی تصمیم گرفتند که ایشان محصور باشد و اگر مؤثر واقع نشد، تبعید از قم و در مرحله بعدی، محاکمه انجام گیرد. در سال ۷۷ مصوبه دیگری از نظر شورا گذشته که به طور مرحله یی و به شکل خاص، رفع حصر مختصری صورت بگیرد ولی بعداً، آن دو مورد اتفاق افتاد: یکی، اطلاعیه ایشان در باره کوی دانشگاه و دیگری، اطلاعیه یی در مورد نظارت استصوابی و لذا مجدداً، این مسأله مورد بحث قرار گرفت که آیا ایشان تخلف کرده است یا خیر. البته اسامی بنا شد که به صورت

محدود، رفع حصر شود و نه به شکل مطلق ...

راديو آزادی ۳ آذر: دادگاه مطبوعات علیه یکی دیگر از متهمان انتشار نمایشنامه دانشجویی موج حکم نهایی خود را صادر کرد. بنا به گزارش خبرنگاری فرانسه حامد آهنگری چهارمین متهمی که تا دیروز حکم قطعی علیه او صادر نشده بود، به چهار ماه زندان محکوم شده است. پیش از این دادگاه با تبرئه کردن استاد دانشگاه یسار شده مجازات ۳ سال زندان برای دو تن از دانشجویان و شش ماه زندان برای متهم دیگر مقرر کرده بود.

روزنامه همشهری ۷ آذر: فرمانده ناحیه انتظامی قزوین گفت: ۳۱ نفر از اعضای سه گروه اشرار در قزوین به اتهام اختلال در نظم عمومی توسط ساموران نیروی انتظامی با کمک مردم به دام افتادند. به گزارش خبرنگار همشهری از قزوین سردار ضراوی در جمع خبرنگاران گفت: چند تن از این افراد که به شیوه رژیم گذشته در سطح شهر شسرات می کردند از هواداران گروهک منافقین هستند و بین ۲ تا ۳۷ فقره سابقه ارتکاب جرم دارند. وی خاطرنشان ساخت این افراد که شامل دو گروه ۲۰ نفره و یک گروه ۱۱ نفره هستند زمانی که مردم در پارک دهخدا و خیابان توحید قزوین سرگرم جشن میلاد امام زمان بودند اقدام به شرارت کرده اند.

خبرگزاری فرانسه ۸ آذر: روزنامه دولتی ایران: امروز دوشنبه نوشته بیش از ۱۰۰ نفر خارجی شامل زنانی از کشورهای مختلف اروپایی و آمریکایی جنوبی در یک میهمانی رقص در یکی از حومه های شهر تهران دستگیر شدند. این روزنامه نوشت: فساد، روز پنجشنبه حتی در یک ویلای مجلل واقع در حومه غربی شهر نیز اتفاق افتاد. ولی توضیح بیشتری نداد. این گزارش حاکی است که پلیس توسط یک تلفن از یک منبع ناشناس خبردار شد. جمهوری اسلامی ایران خواستار جدایی زن و مرد، خصوصاً جوانان، خارج از چارچوب ازدواج و یا خانواده می باشد.

تلویزیون رژیم ۸ آذر: اعضای هیأت منصفه در مورد شکایت هیأت نظارت بر مطبوعات از مدیر مسئول هفته نامه شلمچه مبنی بر اهانت به یکی از مراجع تقلید به اتفاق آراء، متهم را مجرم و با اکثریت آراء، آقای مسعود ده نمکی را مستحق تخفیف دانستند. هیأت منصفه همچنین به اتفاق آراء، به مدیر مسئول هفته نامه شلمچه در باره رعایت دقیق اخلاق مطبوعاتی و حفظ حرمت اشخاص تذکر داد.

هفته نامه آوا ۹ آذر: عصر روز سه شنبه ۲ آذر یکی از فعالان فرهنگی مذهبی نجف آباد به نام علیرضا انتشاری، دبیر دبیرستانها و از علاقمندان به آیت الله العظمی منتظری در حال رفتن به محل تدریس خود به صورت مشکوکی ناپدید گردیده. پس از مدتی که خانواده وی به خاطر عدم مراجعه ایشان نگران شده بقیه در صفحه ۴

در رسانه های جمعی -

بقیه از صفحه ۳

بودند شخصی به خانواده او اطلاع می دهد که دیده است در یکی از خیابانها اتوموبیلی که حامل چند سرنشین بوده جلو اتوموبیل ایشان می پیچد و او را مجبور به توقف می نماید و در نهایت می بیند که آقای علیرضا انتشاری را به همراه خود می برند. شخص فوق اضافه می کند وقتی که به جریان مشکوک شده، آنها را تعقیب می نماید و در نهایت می بیند که آقای علیرضا انتشاری به همراه اتوموبیلش به ساختمان یکی از نهادها منتقل گردیده است.

تلویزیون رژیم ۱۰ آذر: رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح کشور اعلام کرد از این پس اطلاع رسانی در مورد تحقیقات پرونده قتلهای زنجیره ای به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی کشور واگذار شد. آقای نیازی که در ایلام سخن می گفت: تعداد مقتولان این پرونده را چهار نفر اعلام کرد و گفت: با پخش فیلم اعتراضات متممین که در اختیار صدا و سیما قرار خواهد گرفت برخی ابهامات در مورد پیشرفت پرونده و انگیزه قاتلین برطرف خواهد شد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۱۰ آذر: یک تیم از مزدوران وزارت اطلاعات، از جمله دو نفر به نامهای اکبری و ناصری، مأموریت یافته اند تا به کمک وزارت خارجه و سایر ارگانهای رژیم آخوندی ترتیبات آزادی محمید خرسند یک جاسوس رژیم آخوندی در برلین را فراهم کنند. آنها در نظر دارند تا برای اعمال فشار بر روند دادگاه و جلوگیری از محکومیت این جاسوس، خانواده وی را به آلمان بیاورند.

حمید خرسند از چند سال پیش به دستور وزارت اطلاعات درصدد برآمد با هواداران مجاهدین در برلین ارتباط برقرار نموده و با شرکت در برخی از فعالیتهای آنان اخبار مربوط به این فعالیتها را به وزارت اطلاعات گزارش نماید. وی در سالهای بعد تلاش کرد با رفت و آمد به دفتر نمایندگی شورای ملی مقاومت در شهر کلن، ارتباطات نزدیکتری با مقاومت ایران برقرار کند که به دلیل سوابق رفتار مشکوکش موفقیتی به دست نیاورد و به برلین بازگشت.

براساس کیفرخواست برنیوست دادستان دادگاه برلین، وزارت اطلاعات همچنین از خرسند خواسته بود تا با نفوذ به ارتش آذربایبخش ملی ایران از درون به آن صربه بزند. طبق کیفرخواست، خرسند حداقل در دو نوبت از وزارت اطلاعات ۱۲۵۰۰ مارک دریافت کرده بود.

خرسند در اوائل دهه ۶۰، در حمله به خوابگاه دانشجویان ایرانی مخالف رژیم در شهر ماینس آلمان، همراه با کاظم دارابی، تروریستی که به خاطر نقش فعالش در قتلهای میکونوس به حبس ابد محکوم شده است، شرکت داشت. وی در

یک سفر به تهران در سال ۱۳۶۴ از نزدیک با خمینی دیدار کرده و مراتب وفاداریش به رژیم را ابراز داشت. ادامه فعالیتهای جاسوسی رژیم آخوندی در آلمان در دوران خاتمی نشان می دهد که جاسوسی و تروریسم همچنان اهرمهای سیاست خارجی ملایان را تشکیل می دهند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۱۰ آذر: همزمان با سفر طالبانی به تهران و راستای آماده سازیهای تروریستی نظامی علیه مقاومت ایران پاسدار سرتیپ حرمتی از فرماندهان قرارگاه رمضان، پاسدار فرهادی فرمانده قرارگاه نصر نقده و سه نفر دیگر از فرماندهان سپاه به سلیمانیه رفته اند. در همین حال رژیم آخوندی تعداد زیادی از پاسداران را با سه دستگاه اتوبوس از تهران از طریق مرز مریوان، روانه مناطق تحت کنترل گروه یه کتی در کردستان عراق کرده است.

همچنین حدود ۱۵ تن از عناصر وزارت اطلاعات، برای هماهنگی با گروه یه کتی به منظور اقدامات نظامی و تروریستی علیه مجاهدین، در روزهای اخیر در منطقه تحت کنترل این گروه در کردستان عراق مستقر شده اند. سازمان مجاهدین روز گذشته با صدور اطلاعیه ای ضمن افشای توطئه های تروریستی و نظامی یه کتی علیه مقاومت ایران، اعلام کرد این گروه بخش زیادی از نیروهای تحت فرمانش را در قسمتهای جنوبی منطقه تحت کنترلش متمرکز نموده تا در موقعیت مناسب به کمک پاسداران و نیروهای وزارت اطلاعات برای حمله به مجاهدین بشتابد و راه را برای تجاوزات نظامی و تروریستی آنها هموار کند بنا بر این اطلاعیه، رژیم آخوندی در بسیاری از عملیات تروریستی خود علیه مجاهدین، تروریستها و سلاحهای لازم را با استفاده از امکانات و تسهیلات و منطقه تحت کنترل یه کتی، به اهداف مورد نظر رسانده است.

روزنامه اخبار اقتصاد ۱۱ آذر: عباس امیرانتظام که مدتی است از زندان اوین مرخص شده بود، روز گذشته بار دیگر به دادگاه احضار و از آن جا روانه زندان اوین شد. گفته می شود علت به زندان فرستادن مجدد امیرانتظام، به مصاحبه اخیر وی با روزنامه پیام آزادی باز می گردد.

تلویزیون رژیم کانال ۲، ۱۳ آذر: یک مقام آگاه در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی اعلام کرد هر گونه اطلاع رسانی در خصوص پرونده قتلهای زنجیره ای کامکان بر عهده سازمان قضایی نیروهای مسلح است. این مقام آگاه امروز به خبرنگاری جمهوری اسلامی گفت سا توجه به این که پرونده قتلهای زنجیره ای در اختیار دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی کشور نیست و پرونده در اختیار سازمان قضایی نیروهای مسلح کشور است، طبعاً اطلاع رسانی باید از سوی آن سازمان انجام شود. رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح کشور چند روز پیش اعلام کرده بود که کار اطلاع رسانی تحقیقات پرونده قتلهای زنجیره

یی به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی کشور واگذار شده است.

راديو اسرائیل ۱۳ آذر: لطیف صفری مدیر مسئول روزنامه نشاط به موجب حکم شعبه ۲۷ دادگاه تجدید نظر استان تهران به ۳۰ ماه حبس و ۵ سال محرومیت از مدیر مسئولی و صاحب امتیازی هر روزنامه یا نشریه ای محکوم شد. وی به اتهام توهین به احکام دین مبین اسلام و مسلمات قرآنی به تحمل یک سال حبس، به اتهام اهانت به نمایندگان مجلس شورای اسلامی به ۹۱ روز زندان، اهانت به فرمانده کل نیروی انتظامی ۹۱ روز حبس و تحریک و تشویق دانشجویان و مردم به اغتشاش و اعتصاب به یک سال حبس و از باب تعمیم حکم تعزیری به محرومیت از شغل مدیر مسئولی و صاحب امتیازی هر روزنامه یا نشریه ای و همچنین هر نوع فعالیت مطبوعاتی به مدت ۵ سال و از جهت اصرار به ارتکاب جرایم متفرقه به لغو پروانه و امتیاز روزنامه نشاط محکوم شده است.

خبرگزاری فرانسه ۱۵ آذر: روزنامه جوان امروز دوشنبه گزارش داد که یک مرد ۳۰ ساله که چهار انگشت دست راستش به دلیل دزدی در نظام قوانین خشن اسلامی قطع شده است، اکنون قرار است پای چپ خود را هم به جرم ارتکاب سرقت از خانه یک قاضی از دست بدهد. این روزنامه افزوده که این مرد که نامش را «جابر» گفته اند، اهل تهران است و انگشتان خود را سال گذشته پس از این که به دزدیهای مختلفی متهم شد، از دست داد. از آن موقع، بار دیگر او تخلف کرده و این بار به خانه یک قاضی وارد شده و ضبط و دستگاه زیراکس و گاویندوقها را به سرقت برده است.

روزنامه صبح امروز ۱۵ آذر: اکبر گنجی: من نگران خروج پرونده از مسیر کشف حقیقت هستم. باید نگران محو حقیقت بود. چرا که آقای نیازی می گوید: قتلهای زنجیره ای چهار قتل بوده است و محسنی از وی می گوید قتلها در زمان خاتمی و دری نحف آبادی به وقوع پیوسته است نه در دوران هاشمی و فلاحیان. نجات فلاحیان توسط محسنی از وی و روح الله حسینیان امری طبیعی است. چرا که در باره نقش دانش آموزان مدرسه قصفانی در وزارت اطلاعات و قوه قضاییه از آغاز تأسیس تاکنون پرسشهای مهمی مطرح است که روزی باید آقایان محسنی از وی، علی فلاحیان، علی رازینی، رهبرپور، مصطفی پورمحمدی، روح الله حسینیان به آنها پاسخ گویند.

آقای محسن از وی و نیازی باید بدانند که هر تحلیلی در باره قتلهای زنجیره ای که قتلهای قبل از دوم خرداد ۷۶ را در برگیرد، تحلیلی نادرست است به عنوان نمونه، وقتی آقای براتی به عنوان راننده اتوبوس نویسندگان را روانه دره کرد، تمام سرنشینان چهره وی را دیدند و در پاسگاه، نویسندگان دریند و راننده (براتی) آزادانه در آن جا قدم می زد. اگر عزم سیاسی برای پیگیری مسائل وجود

داشت. به راحتی از براتی به علیخانی و از علیخانی به موسوی و از موسوی به سعید امامی و از سعید امامی به شاه کلید و از شاه کلید به علیجنابان خاکستری می رسیدیم. اینک نیز اگر عزم سیاسی وجود داشته باشد، می توان به حقیقت نزدیک شد.

راديو اسرائیل ۱۳ آذر: روزنامه آبان چاپ تهران امروز از آزاد شدن خانم مریم، یا ملوس راندیا خبر داد و نوشت شعبه هشتم دادگاه انقلاب با صدور قرار وثیقه به مبلغ ۵ میلیون تومان با آزادی راندیا موافقت کرد. آبان یادآوری نمود که وزارت اطلاعات پنج ماه پیش خانم مریم راندیا و آقای منوچهر محمدی را به عنوان دو عامل اصلی نازاریهای تهران قلمداد می کرد که حتی بعضی از محافل مطبوعاتی خبر از صدور احکام اعدام برای آنها داده بودند. گفتنی است آقای منوچهر محمدی به ۱۳ سال زندان محکوم شد.

روزنامه صبح امروز ۱۶ آذر: سیاوش مختاری در پاسخ به این سؤال که آیا پدرش در گذشته نیز تهدید به قتل شده بود؟ گفت: بله پدرم بارها تهدید شده بود. برای مثال در سال ۱۳۷۶ او را دستگیر و تهدید کرده بودند. قبر از آن هم که به طور جمعی با بقیه نویسنده ها به خاطر جلسه مشورتی کانون نویسندگان در سال ۱۳۷۵ دستگیر کرده بودند. در مورد نامه ۱۳۴ نویسنده هم تهدید شده بود. وی اضافه کرد: این تهدید بارها انجام شده بود. هم به صورت جمعی و هم به صورت فردی. شخصی به نام هاشمی که اغلب نویسنده ها او را می شناخته اند در ارتباط با پدرم بود. او خود را ناجی نویسنده ها جا می زد و سعی می کرد به نویسنده ها بقبولاند که گروهی قصد کشتن آنها را دارند اما ما می خواهیم که به نویسندگان کمک کنیم که بعدها مشخص شد که خود آنها این قصد را داشتند. سیاوش مختاری در ادامه گفت: پدرم یک بار گفت که او را با چشم بند به جای نامعلومی برده بودند و مقامی بالاتر از هاشمی با از صحبت کرد و گفته بود که شما می دانید که ما قبلاً خیلی کشته ایم و باز هم می کشیم و آب هم از آب تکان نخواهد خورد. این جمله ای بود که پدرم گفت و من حفظ کردم. وی اضافه کرد: پیش از این راجع به خط قرمز به نویسندگان هشدار داده شده بود. وقتی که یک شب در سال ۷۵ یا ۷۶ در منزل آقای کوشان به طور جمعی دستگیر شده بودند. همه را تهدید کرده بودند. این تهدید هم توسط هاشمی انجام شده بود. سیاوش مختاری در این مصاحبه هم چنین به کنترل تلفن منزلشان اشاره کرد که در چنددوره تا هنگام قتل پدرش انجام می گرفت و افزود: حتی از پدرم فیلمبرداری کرده بودند. در این ارتباط پدرم تحت فشار بود. اما هیچ کس تصور نمی کرد که چنین جنایتی انجام بگیرد.



جامعه ای جهانی - جنبشی جهانی علیه تجارت جهانی

— لیل



روز دوشنبه ۲۹ نوامبر شهر سیاتل، در ایالت واشنگتن در آمریکا، مهماندار سازمان تجارت جهانی (WTO) بود. در این گردهمایی ۵۰۰۰ نفر از وزاری تجاری، مقامات رسمی از ۱۳۵ کشور جهان و نظاره گران ۳۰ کشور شرکت کرده بودند. این اولین گردهمایی دوره جدید مذاکرات (WTO) بود که از زمان پیدایش آن، در سال ۱۹۹۵ مرکز اصلی قانونگذاری و اجرای تجارت جهانی بوده است. قوانین سازمان تجارت جهانی بر پایه سیاست اقتصادی لیبرالیسم نو بنا شده به سود قدرتهای بزرگ اقتصادی و بر ضد منافع کارگران، علیه حقوق بشر، مخرب محیط زیست و علیه سلامت و جان مردم جهان است. مقررات این سازمان جهانی سبب نابرابریهای اقتصادی، نقض دموکراسی و فقر مردم زحمت کش جهان گشته و این در حالی است که ثروتهای سرشاری را به جیب کمپانیهای بزرگ واریز کرده و می کنند. برای مقابله با این سیاستها، تظاهرات بزرگی به رهبری اتحادیه های کارگری آمریکا و فعالان حفظ محیط زیست از روز یکشنبه یعنی دو روز قبل از شروع جنسیت رسمی (WTO) آغاز گشت. در میان حیرت و شگفتی همه شرکت کنندگان در گردهمایی (WTO)، مقامات شهر سیاتل و پلیس، موج عظیمی از مردم خصوصا جوانان تدریجا وارد سیاتل می گشتند تا جایی که یکی از سازماندهندگان این تظاهرات اذعان کرد که ما خودمان هم از استقبال وسیعی که از این تظاهرات می شود غافلگیر گشته ایم.

از روز یکشنبه تظاهرکنندگان خود را برای روز سه شنبه آماده می کردند و آن را روز تمرین قیام نام نهاده بودند. قرار بود این تظاهرات به صورت آرام و کارناوال وار صورت بگیرد. برخی عروسکهای خیمه شب بازی بزرگی در دست داشتند و برخی روی چوبهای پا که کشاورزان در مزارع از آن استفاده می کنند راه می رفتند. و برخی دیگر علائم ضد (WTO) حمل می کردند.

یک پسر بیست ساله که خود را از شهر بستن به این محل رسانده بود پلاکاردی در دست داشت که روی آن نوشته بود «اگر فکر می کنید (WTO) بد است پس اگر بدانی کاپیتالیزم چیست چه خواهی گفت؟» یک نفر دیگر پلاکاردهایی را به دست شکل مردان طاس با کت و شلوار و کراوات درست شده بود که فریاد می زد «کی می خواهد آقا بده باشد؟» بر روی یکی از پلاکاردها نوشته شده بود من ترجیح می دهم با امپریالیسم بجنگم برخی با نوای طبل می رقصیدند یا سوت می زدند و می خواندند. در گوشه ای میز کتاب از کتابها و نشریات سوسیالیستها بود و در کناری هم میزی بود که به شرکت کنندگان نان و کره بادام و یا تکه های سیب و پنیر تعارف می کرد. عده ای از تظاهرکنندگان در مقابل فروشگاه GAP تجمع کرده بودند و پاهای خود را با زنجیرهایی که از مقوا درست شده بود به یکدیگر بسته بودند و شعار می دادند «که برده داری و شعار می دهی». برگزارکنندگان همچنین John Qulsley (طراح هوایی) را استخدام کرده بودند تا با استفاده از عده ای شرکت کننده و قرار دادن آنها کنار هم حروفی را ترسیم کنند که از بالا خوانده شود. به پا خیزید. همگی این تدارکات در روز یکشنبه صورت گرفت.

روز دوشنبه پلیس از ساعت ۵ تا ۱۰ صبح درهای ورودی به ساختمان مرکز تجاری را که قرار بود گردهماییهای (WTO) در آنجا صورت گیرد بست. پلیس و مقامات شهر انتظار داشتند که حدود ۵۰۰ نفر از روزنامه نگاران و تظاهرکنندگان در مقابل این ساختمان تجمع کنند. آنها با تیم SWAT (به معنی تیم سلاح و تاکتیک مخصوص) و سگهای بمب یاب در آماده باش کامل بودند. در عین حال اعلامیه ها به سرعت توسط تظاهرکنندگان پخش می شد. روی پلاکارد بزرگی نوشته شده بود «دراکولای خون آشام دندانهایش را در جان مردم فرو برده است» در این روز درگیری صورت نگرفت. فروشگاههای بزرگ مانند

کرد صدای تظاهرکنندگان از بیرون به گوش می رسید. او در حالی که سعی می کرد خود را بی توجه وانمود کند گفت «ممکن است که ۵۰ هزار نفر بیرون علیه ما فریاد بزنند اما ۱/۵ میلیارد می خواهند که به ما بیوبندند. او ادامه داد که (WTO) دولت نیست و به ملتها سیاستهای تجاریشان را دیکته نمی کند. و سپس افزود «آیا روزهای قدیم و راههای کهنه بهتر بود».

روز چهارشنبه درگیریهایی که بین تظاهرکنندگان و پلیس صورت گرفت حدود ۳ پلیس و ۲ شرکت کننده در کنفرانس و ۱۲ نفر از تظاهرکنندگان راهی بیمارستان گشتند. پلیس برای متفرق کردن شرکت کنندگان در تظاهرات تفرقه های پلاستیکی به روی آنها فلر می پاشید. استانتور رئیس پلیس تصمیم گرفت که مواضع سخت و قاطعی برای سرکوب تظاهرکنندگان اتخاذ کند و گفت که هیچ کس جز پلیس حق ندارد از ماسک استفاده کند بعد از ظهر همین روز در ساعت ۱/۵ پرزیدنت کینتون برای شرکت در گردهمایی سازمان تجارت جهانی وارد سیاتل گشت. پلیس تظاهرکنندگان را که می خواستند به زور وارد منطقه اتوبوسها می کرد که از آن محل دور کند. فردی می گفت اینها شبیه دولتهای آمریکای مرکزی عمل می کنند و اینجا شباهتی به سیاتل ندارد.

روز پنجشنبه تظاهرات هنوز ادامه داشت. شهردار سیاتل از مردم درخواست همکاری و آرامش کرد. و گفت اگر شما به طور قانونی و در

بقیه در صفحه ۶

خود دیواری ساخته بودند و یا در میان چهار راهها چهار زاویه زمین نشسته و خود را به چوبهایی که نظیر چوبه دار بود زنجیر کرده بودند. گروه دیگری که خود را آنارشویست خطاب می کرد نیز اقدام به شکستن شیشه های اتومبیل ها و مغازه ها کردند. این حرکتها از طرف برگزارکنندگان اصلی این تظاهرات کاملا منفی شمرده می شد.

به هر جهت آنها توانستند با این اقدامات ترافیک خیابانها را متوقف کرده که در نتیجه مرکز تجاری یعنی محل گردهمایی (WTO) بسته و مراسم افتتاحیه کنفرانس لغو گشت. در اثر این اقدامات سرانجام پلیس از گاز اشک آور استفاده کرد و هنگامی که کشمکشهای خیابانی بالا گرفت شهردار وارد عمل شد و اعلام موقعیت حساس کرد. فرماندار هم گارد ملی را برای حفاظت احضار کرد. و در آخر پلیس ناچار به اعلام حکومت نظامی گشت.

سیاری از جوانان برای مقابله با گاز اشک آور با ماسکهای ضد گاز و شیشه های آب و دستمال به محل رفته بودند. برخی از آنان وابسته به شبکه عملیات مستقیم بودند و گروهی از دانشجویان دانشگاه واشنگتن نیز به آنان پیوستند. گروه «اجتماع مردم» با شرکت وسیع گروههای فیلدینی، کرده ای و دیگر ملیتهای آسیایی همراه بود. راهپیمایان راه پیمایی خود را با خواندن سرود «بین الملل» به سه زبان پایان دادند.

سرانجام هنگامی که مایک مور رئیس جلسه (WTO) سخنرانی افتتاحیه خود را اعلام

Old Navy و Nordstrom تحت حفاظت پلیس بودند. در شهر نیز با این که تعداد زیادی وارد هتلها می شدند آرام و خلوت بود. فروشگاهها و رستورانها خالی بودند هنگام ظهر ۵ نفر از فعالان حفاظت محیط زیست در فاصله ۱۵۰ متری محل گردهمایی و از بالای یک ساختمان به بلندی ۶۰ متر پلاکاردی آویزان کرده بودند که نوشته شده بود: (WTO) با فلش به سوی گردهمایی و دموکراسی با فلش به سوی دیگر. همچنین تظاهرکنندگان یک ساختمان سه طبقه را به تصرف خود درآوردند و اعلام کردند که تصمیم دارند تمام هفته در اینجا بمانند و سپس آن را تحویل بی خانمانها برای زندگی دهند. مقامات دولتی نیز جریان آب و برق را بر روی ساکنان این خانه بستند.

روز سه شنبه بیش از ۵۰۰۰ تن از تظاهرکنندگان به سمت ساختمان گردهمایی (WTO) به حرکت درآمدند. در این مسیر با پلیس که پیاده، سوار بر اسب و یا با موتورسیکلت بودند و راه آنها را برای رسیدن به مقصد بسته بودند روبرو شدند.

در روزهای سه شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه تظاهرکنندگان که به طور حیرت انگیزی سازمان یافته بودند و با یکدیگر در ارتباط کامل قرار داشتند با پیوستن دستها به یکدیگر ساختمان را محاصره کرده و موانع از ورود اعضا به داخل ساختمان گردهمایی می شدند. با این حرکت آنها صدای خود را به گوش جهانیان رساندند. تظاهرکنندگان همچنین خیابانها را مسدود کردند و از

جامعه ای جهانی

بقیه از صفحه ۵

محلهای مقرر اجتماع کنید ما هم حقوق شما را برای ابراز اعتراضات محترم خواهیم شمرد. یکی از سازمان دهندگان تظاهرات در پشت میکروفون اعلام کرد که تظاهرات ما باید آرام باشد و هر کس ایجاد آزار و اذیت و آشوب نسبت به مردم کند به جنبش ما خیانت کرده است. از همچنین خطاب به پلیس گفت: ما از فشار و سلاح شما نمی ترسیم و افزود به تظاهرات خود ادامه خواهیم داد. تعدادی از تظاهرکنندگان صبح زود به خیابانها آمده و خرده شیشه های شکسته را جمع آوری می کردند. حدود هزار نفر از کارگران اتحادیه کارگران فولاد به آنها پیوسته بودند.

(WTO) که سالها در پشت درهای بسته تصمیمات بزرگی برای سرنوشت مردم که منافع و حقوق آنان را پایمال می کرد. می گرفت هرگز پیش بینی نکرده بود که در مقابل جهانی شدن تجارت یک جنبش اجتماعی جهانی بدین سرعت شکل بگیرد که سرانجام مذاکرات آنها را هر چند به طور موقت به شکست بکشاند. این جنبش اجتماعی که در سراسر جهان در همان هنگام در جریان بود مردم را از طریق شبکه های اینترنت در ارتباط قرار داد. راهی سریع و نسبتا کم خرج. به طوری که حتی سازمانهای کوچک با امکانات کم نیز توانستند با آن ارتباطی مستقیم برقرار کنند.

تمامی وسایل ارتباط جمعی. سیاستمداران و بسیاری از کمپانیهای بزرگ تجاری جهان از این جنبش عظیم و سازمان یافته که یک باره در ضدیت با سیاستهای ضد بشری (WTO) شکل گرفت غافلگیر گشته بودند.

در مدت این سه روز ۲۰۰ نفر از گارد ملی آمریکا خیابانها را تحت کنترل خود گرفته بود و اتوموبیلهای گشت پلیس خیابانها را کنترل می کرد پلیس با پاشیدن فلفل بر روی تظاهرکنندگان و درگیری فیزیکی، پرتاب آنها بر روی زمین و استفاده از باطومهای چوبی آنها را مورد خشونت قرار

می داد. به طوری که اواخر شب پنجمین شمارها از ضد (WTO) به ضد پلیس تبدیل گشت.

در داخل سالن گردهمایی در حالی که اعضای (WTO) تلاش می کردند فارغ از آنچه در بیرون اتفاق می افتد به کار خود ادامه دهند دو نفر، یک زن و یک مرد، با کارتهای شناسایی گروهی به نام تبادل جهانی خود را به میکروفونها رسانده و اطلاعیه ای بر ضد (WTO) خواندند که البته سریعا توسط پلیس دستگیر گشتند.

کلیتوتون که بین برنامه های خود و گرفتن حمایت از جنبش کارگران آمریکا گیر کرده بود با اتخاذ مواضع دوگانه سرانجام اعلام کرد که بایستی استانداردهای کاری ایجاد گردد و حتی قدمی از آنهم بالاتر گذاشت و اعلام کرد دولتهایی که این استانداردها را رعایت نکنند باید مورد تنبیه قرار گیرند. متعاقب آن جین اسپرلیگ مشاور اقتصادی کاخ سفید به خبرنگاران اطلاع داد که ایالات متحده از درخواست خود کوتاه نخواهد آمد. نمایندگان کشورهای در حال توسعه به سختی از اظهارات کلیتوتون به خشم آمدند.

بالاخره پس از یک هفته کشاکش جنبش اعتراضی جهانی که از ایجاد یک جامعه جهانی علیه (WTO) شکل گرفت و طی آن همزمان با تظاهرکنندگان سیاتل دست به تظاهرات زده بودند. پیروز گشت.

روز جمعه ۳ دسامبر مردم پیروزی خود و شکست این مذاکرات را جشن گرفتند. در سالن مذاکرات تعدادی از وزرای تجاری کشورها که از کشاکش یک هفته خسته شده بودند و پس از آن که نماینده تجاری ایالات متحده شارلین بارسنسی اعلام کرد: برای مدت نامعلومی استراحت خواهد کرد و از روشهای مبتکرانه تری برای ادامه این کار استفاده خواهد کرد: هورا کشیدند.

در این فاصله برخی از شرکت کنندگان در گردهمایی (WTO) با تظاهرکنندگان احساس همدردی می کردند. آقای کلادتومز یکی از اعضای پارلمان اروپا گفت که پلیس بیش از حد از خود خشونت نشان داد. او اضافه کرد که ما در اروپا تظاهرات بزرگتر از این داریم، به تازگی در پاریس تظاهراتی با شرکت ۸۰ هزار نفر

صورت گرفت که پلیس با آنها بسیار آرامتر برخورد کرد. روز جمعه بیش از ۲ هزار نفر از تظاهرکنندگان در مقابل زندان کینگ سانتی محلی که ۱۰۰ نفر از ۵۴۵ نفر دستگیرشدگان در آنجا بودند تجمع کرده و دست به تظاهرات زدند و درخواست آزادی آنها را کردند. بازار مرکز شهر تا روز چهارشنبه متحمل ۷ میلیون دلار ضرر و ۱/۵ میلیون دلار خسارت شیشه های شکسته شده بود.

تظاهرکنندگان سیاتل صدای مردم جهان را به گوش کسانی که تصمیمات مهمی برای سرنوشت آنان می گیرند رساندند و بدین وسیله فصلی جدید در تاریخ مبارزات انسانها علیه ستم در آستانه قرن بیست و یکم گشودند.

تفاوتهای بین تظاهرات سیاتل و تظاهرات ضد جنگ ویتنام در شیکاگو سال ۱۹۶۸

آقای تام هایدن یکی از فعالان قدیمی جنبش ضد جنگ در مصاحبه ای گفت که تاثیر این حرکت از جنبش ضد جنگ در سال ۱۹۶۸ در شیکاگو عظیم تر خواهد بود.

او در این مصاحبه می گوید: باید بگویم، نهایت خوشحالی من است که پس از ۵ روز شرکت در تظاهرات و راه پیمایی و نشستن روی آسفالتهای سرد و زمینهای سخت ببینم که آنقدر زنده ماندم تا نسل جدیدی از مبارزان دستاوردهای به مراتب موفقیت آمیزتر از تظاهرات شیکاگو به دست بیاورند.

او گفت: تفاوتی که این تظاهرات با شیکاگو داشت در این بود که در آنجا اعتراضها توسط هزاران تظاهرکننده که از فعالان جنبشهای حق طلبانه و یا صلح جو بودند به مدت ۸ سال ادامه داشته در حالی که تظاهرات سیاتل نسل جدیدی را یک باره به صحنه کشاند؛ نسلی که یکی از قدرتمندترین سازمانهای جهانی را به لرزه درآورد.

در سال ۶۸ مردم انتظار چنین رویدادی را داشتند و اعتراضهای مداوم انباشته می شد اما این بار همه غافلگیر شدند. این تظاهرات با امکانات کم دستاورد بزرگی داشت. این جنبش بسیار ژرف تر از جنبش شیکاگو بود زیرا در آنجا ما فقط

با یک مورد واحد در مقابله بودیم. جنگ ویتنام. در سیاتل فعالان این جنبش در مقابله با وضعیت واقعی روشی که اقتصاد. محیط زیست و حقوق بشر را برای همه عمر ما ورز می زند. رویرو بودند. نظم نوین جهانی شامل همه چیز می شود. صادرات. مزد کارگران. قیمت و کیفیت اجناس مواد غذایی و غیره ...

جنگ ویتنام خواه و ناخواه خاتمه می یافت اما نظم نوین جهانی ادامه دارد یا ما باید بخشی از آن باشیم یا بپوسیم. اما یک تفاوت کلی و بزرگ دیگر آن بود که موضوعی که تظاهرکنندگان را به سیاتل کشاند حمایت وسیعی از سازمانهای کارگری و فعالان حفظ محیط زیست داشت که اینها به طور سنتی پایه های حزب دموکرات آمریکا هستند. کلیتوتون همزمان با نفی نقش خود در ایجاد (WTO) حمایت خود را از تظاهرکنندگان اعلام کرد. این کاملا با وضعیت ۳۰ سال پیش و برخورد لیبدن جانسن به آن و همان طور ریچارد دلی شهربار شیکاگو با ما جنگجویان ضد جنگ بود.

تظاهرات سیاتل زورمند، مؤثر و ابتکاری بود. آنها توانستند گردهمایی (WTO) را متوقف کنند. دستها را به هم زنجیر کنند و به مدت ۱۲ ساعت در یک روز در خیابان ایستادند. دوچرخه سواران با دوربینهای خود از صحنه فیلم برداری می کردند تا سازمان دهندگان تظاهرات بتوانند از طریق شبکه های اینترنت در سراسر جهان آن را پخش کنند. آنها از روشی جالب و شبیه کارناوال به جای خشونت استفاده کردند. کارگران با کلاه کار خود در کنار عشاقان طبیعت راه می رفتند. دانش آموزان تیمهای عملی که به نامهایی مانند: چیرلیدرهای رادیکال.

دات کامیز (بازی با لغت) و غیر قابل دستگیریها: که راه پیمائیشان در پشت سر یک عروسک بزرگ از بودی در حال گریه بود انجام شد. با این که دانشگاهها زیاد فعال نبودند اما این نسل جدید چالش بزرگی در مقابل سیستم ایجاد کردند. برای کسانی که در خیابانهای سرد یخ زدند و یا در زندان دست به اعتصاب غذا زدند. (WTO) درست همان چیز است که مایه وحشت آنها از آینده است.

تظاهرات سیاتل چه دستاوردهایی داشت؟

۱- خانم ایلین برنسارد. متخصص در امور کار و تجارت (مدیر اتحادیه تجاری هاروارد) می گوید:

۱- مردم را نسبت به موضوع مهمی که قدرتهای بزرگ منتها بدون دخالت آنها و پنهانی تصمیم می گرفتند را حساس کرد.

۲- این اعتراضها ادعای تجارت خالص و ساده: آن هم زمانی که ما با برنامه های اجتماعی و اقدامات دولتی سر و کار داریم به طور کلی بی اساس کرد.

۳- این تظاهرات اتحادیه های جدیدی را آفرید. شمال و جنوب. اتحادیه های کارگری. فعالین محیط زیست. نسل X. و دستان قدیمی از سالهای ۱۹۶۰ و غیره.

مختلف این تظاهرات وجود دارد. برخی معتقدند که (WTO) باید کاملا منحل شود. برخی جایگاهی برای نیروهای کار و فعالین محیط زیست می خواهند. کارگران کشورهای صنعتی نگران از دست دادن مشاغل خود هستند. کارگران کشورهای در حال توسعه نگران آن هستند که استانداردهای کاری و حفاظتهای محیط زیست روشهایی هستند که از آوردن محصولات آنها به بازارهای غنی جهان جلوگیری خواهد کرد. با این حال اینها همان دلایلی هستند که لزوم ارتباط بین المللی را غنی تر می کند و زمینه ای برای بحث. مبادله و همبستگی جهانی ایجاد خواهد کرد.

منابع: در تهیه مقاله بالا از روزنامه سیاتل تایمز. واشنگتن پست. نیویورک تایمز. وال استریت جورنال و صفحه اطلاعات سیاتل ضد (WTO) در اینترنت استفاده شده است.

برای اطلاعات و برقراری ارتباط با سیاتل ضد (WTO) روی شبکه اینترنت می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید.

آینده نقش از زنان دارد

(۱۰)

گفتگوی خانم گلادیس وایگنر با خانم مارگارت ویچرلیش

انقلاب بی خشونت

از شما چه پنهان. برای بدبینی و یأس به اندازه کافی دلیل داریم. وقتی آدم نگاهی به واقعیت‌های زندگی یک شهروند معمولی - چه مرد و چه زن - می اندازد و می بیند تکان دادن اینها و ایجاد تحول و تغییر در افکار و رفتارشان چه قدر کار دشواری است. وقتی متوجه می شویم که اینها چه سخت حاضرند از عاداتهای کهنه خود دست بردارند و به راههای تازه قدم گذارند. آن وقت خیلی زود می شود دچار سرخوردگی و ناامیدی شد. حتی در کشورهای غربی. در دموکراسیهای پارلمانی که می توان با برگه رأی در رویدادها مداخله کرد. باز هم اکثریت مردم به نقشهای تحمیلی گردن می گذارند و از همان سنتهای کهنه و عقب مانده پیروی می کنند. و طبعاً در صحنه سیاست نیز. کسانی برنده اند که همین اکثریت را دنبال خود دارند. با افکار و ابتکارهای تازه نمی شود به سادگی اکثریت مردم را جلب کرد و پشتیبان خود نمود. بنابر این دموکراسی. با آن که بهترین شکل حکومتی است که می شناسیم. ولی در امر دگرگون شدن و تحول پذیری. خیلی کند و تئیل است. با وجود اینها. نشانه های اعجاب انگیز هم به چشم می خورد. همه مردم چهارچنگولی به آداب و سنن قدیمی نچسبیده اند. همه از طرحهای نو و اندیشه های تازه که تا حالا تجربه ای با آن نداشتند اندرم نمی کنند. البته. جای حرف نداد که انقلابها اغلب با فقر و فلاکت و بی رحمی فراوان توأم بوده اند. انقلابها اغلب خواسته ها و نودهای مطلقه را پیش می کشند که بعد محقق نمی شوند. حتی انقلاب [کبیر] فرانسه نیز یقیناً کام مردم را زیاد شیرین نکرد. ولی در مقام مقایسه با وضعی که پیش از آن حاکم بود. یعنی یک نظام سلسله مراتب رعیتی که فقط برای اشراف آسایش و نعمت در برداشت. باز هم می توان گفت که انقلاب دروازه های عصر نویسی را گشود که نسبت به گذشته اساساً فرق می کرد و با دموکراسی همراهِ بود. به عقیده من امروزه نیز. هر چه تعداد آدمیایی بیشتر شود که درک می کنند ادامه وضع کنونی دیگر شدنی نیست و این وضع بشریت را به لبه پرتگاه نیستی می کشاند. به همان اندازه هم وقوع یک انقلاب. حال به هر صورت که باشد. امکان پذیرتر می شود. فی المثل باید پرسید. به چه ترتیب می توان یک انقلاب بی خشونت به وجود آورد؟ به کار بردن زور و خشونت تاکنون عمدتاً کار مردان بوده و نه کار زنان. بنابر این پرسش این است که زنان چگونه می

خواهند انقلاب بی خشونت انجام دهند؟ یا این که زنان برای راه انداختن جریان تغییر و تحول - اگر آشکارا چاره دیگری نداشته باشند - به چه صورت می توانند قهر و خشونت به کار برند؟ اینها نکاتی هستند که خیلی جای فکر و تأمل دارند.

با انجام اعتصاب! بد نیست این جا به آن ایده ای هم که من پیش کشیده ام اشاره ای بکنیم. یعنی انجام اعتصاب پاسیو زنان علیه ادامه کار نیروگاههای اتمی به منظور پایان دادن فوری به کار نیروگاهها و خاموش کردن آنها. البته با چنین اعتصابی نمی شود در یک زمان به کلیه خواسته ها دست یافت. بلکه می باید صرح مشخصی را پیش کشید و کوشید آن را به کرسی نشاند. در صورت حصول موفقیت. خود این می تواند رهنمودی باشد برای حرکتی بعدی و نشان می دهد که می شود به تدریج دیگر امور را نیز تغییر داد. فکر نمی کنید این اقدام می تواند سر فصلی باشد و ما وارد یک دوره تازه ای می شویم؟

می دانید. من. به این معنا که تصورات و رویاهای قریب الوقوع داشته باشم آدم آرمانگرایی نیستم. عقیده ندارم که دگرگونی رفتارها و تحول در فرایندهای فوق العاده سخت جان و مقاوم به سرعت شدنی و قابل حصول می باشند البته کتمان نمی کنم که در طول تاریخ گاه رویدادها و تغییرات غیر منتظره ای هم داشته ایم. منتها اینها تقریباً همیشه با کاربرد قهر همراه بوده اند. و خوب. ما زنها طبیعتاً از آن واهمه داریم.

ولی کسانی بوده اند که قهر و خشونت هم به کار نبرده اند ولی با وجود این به هدفشان دست یافته اند. مثلاً مارتین لوتر کینگ در مبارزه علیه مسأله جدایی سیاه پوستها از دیگران در مدارس و اتوبوسها ...

بله. من هم بدبین و ناامید نشده ام. فکر می کنم که چکیدن مداوم قطره های آب سنگ را سوراخ می کند. آدم باید پیوسته به مرد و زن جماعت گوشزد کند که گرفتار چه تصورات غلط و دنبال چه ارزشهای کاذبی هستند. باید به همه نشان داد که اوضاع از نظر اقتصادی، اکولوژیک، روابط درونی محیط زیست و انسانی. به ویژه در جهان سوم چه قدر بد و خراب است. باید مرتب مردم را نسبت به امور جاری درست و حسابی روشن کرد. از یاد نرود که روشنگری افکار. از مدتها پیش از وقوع انقلاب فرانسه. چه نقش مهمی داشت و چگونه راه انقلاب را باز کرد. آن چه هم که ما در نظر داریم. خود یک انقلاب است. منتها هنوز نمی دانیم. علاوه بر کارهای روشنگری - مثل همین مصاحبه ای که الان داریم صورت می دهیم - با چه وسایلی دیگری می توانیم این انقلاب را به جریان اندازیم. سعی ما این است که حتی المقدور صایمان به شمار کشیری از زنان برسند. تا آنها آگاهی پیدا کنند. به رفتارهای اغلب نادرست خود پی ببرند. از نقشهای

تحمیلی سر درآورند. ایده آلهای کاذب ناشی از طرز تربیت غلط را بشناسند و فضیلتهای قلابی را تشخیص دهند. با این تلاشهای روشنگرانه امیدواریم که آنها از حق رأی خود بهره بگیرند و کوشش کنند روند تغییرات را سرعت بخشند. ولی خوب. در این زمینه هم طبعاً اختلاف نظر وجود دارد. مثلاً سیمون دوبوا. از سر اعتراض. رأی نمی داد. چون با خود فکر می کرد چه فایده ای دارد. با شرکت در این انتخابات که به هر حال نمی توانم چیزی را عوض کنم. با وجودی که به سوسیالیستها نزدیک بود. حتا به انتخاب میران هم تن نداد. او هرگز به هیچ حزبی وارد نشد.

سیمون دوبوا

همین سیمون دوبوا هم یکی از آن سرمشقهایی است که در ابتدای مصاحبه از شما پرسیدم. نظرتان در باره او چیست؟

- سیمون دوبوا. فرد بسیار با استعداد و به طور حیرت انگیزی خلاق و بارآور بود. چند تا از کتابهایش مضمون زندگینامه دارند که عنوان یکی از آنها هست دختر یک خانواده ی متشخص. این تیتیر را محض کنایه گذاشته بود. او از یک خاندان اشرافی و بزرگ بورژوازی برخاسته بود که زیاد قدمت نداشتند. در گذشته متمکن بوده اند ولی بعداً ثروت خود را از دست می دهند و بی پول می شوند. پدر مادرش یک مدت خیلی به تنگدستی می افزند. طوری که ناچار در یک منزل تاریک و ناسالم و غم انگیز به سر می بردند. پنا بر این ستاره اقبال آنها افول می کند و به دامن طبقه خرده بورژوا سقوط می کنند. آنها به میان طبقه ای پرت می شوند که از آن بدشان می آمد و ظاهراً بابت ابتذال و عامیگری خرده بورژواها آنها را پست می شمردند. به این جهت. پدسر سیمون ملامال از خشم و بیزار می بود. به روشنفکران فحش می داد و البته به یهودیان نیز بد و بیراه می گفت. حالا چرا؟ چون خودش در زندگی ناکام مانده بود و همین باعث شده بود که روحیه خودبزرگ بینی و تکبرش شدت پیدا کند. با این همه. مرد هوشمندی بود که میل به خواندن و نوشتن را در سیمون بیدار کرد و علاقه او را به بازی کردن در تئاتر مورد حمایت قرار می داد. و حالا برسیم به پرسش شما. آیا سیمون دوبوا برای زنان یک سرمشق به شمار می رود؟

در خیلی زمینه ها بله. مسلم. او از جمله سرمشقهایی نبود که دایم به آرمانگرایی فرا می خوانند و آدم را از تأمل و استقلال فکری می اندازند. او مرتب مشغول کار و تلاش بود و با کوشش طاقت فرسایی دایماً به دانش و آگاهیهای تازه دست می یافت و پیوسته قادر بود انقلاب فکری کند و از نو بیندیشد. او در همین استعداد و توانایی همسان سارتر بود. هر دو نفر دیوانه آن بودند که با فکر و فعالیت روشنفکری مسایل را بفهمند و از این راز سر در

بیآورند که چه چیزی دنیای گذشته و کنونی را به حرکت آورد و برمی انگیزد. سیمون در عین حال موافق این خط مشی بود که زنان طرز فکر و خصوصیات مردانه را کسب کنند تا بتوانند خواسته های خود را بهتر به کرسی نشانند و کامیاب شوند. او این راه را توصیه می کرد و کمتر به این نکته عنایت داشت که در زن ویژگیهایی است که خیلی به درد نمره یک جامعه ما. یعنی فرد. می خورد و با تأسی به این ویژگیهای زن می توان جامعه را متحول کرد. سیمون. اصول و ارزشهای مردانه را زیاد سبک و سنگین نکرد. البته او بعضی از خلیقیات مردانه را - حتا برخی از رفتارهای سارتر. چون دون ژوان بازی وی را که تا آخر عمر گرفتارش بود - ریشخند می کرد. اما هرگز با دیوانه بازیها. بی رحمیها و خودخواهیهای سارتر در نیفتاد و آنها را به عنوان صفات خاص مردان به چالش نکشید. آخر او شیفته سارتر بود و چنان به استعدادها و توان بارآوری و خلاقیت فکری سارتر اطمینان داشت که بیش از هر چیز برایش یادگرفتن شیوه تفکر وی مهم بود. البته سیمون خیلی مورد احترام و توجه خاص سارتر بود و تقریباً تمام آثارش را با سیمون. به عنوان منتقد فهمیم خود. به بحث و مشورت می گذاشت. با این حال. به نظر من سیمون روی هم رفته راجع به اهمیت شیوه تفکر و نویسندگی مردها خیلی غلبه می کرد و به اندازه کافی متوجه نبود که در زنان گنجینه ای از انسانیت نهفته است و مردان می توانند کلی از شیوه های رفتاری زنان درس بگیرند و چیز بیاموزند.

تأثیر ضمنی

آیا چگونگی رفتار سیمون دوبوا. اندکی آن عقیده رایج را تداعی نمی کند که اغلب از تأثیر ضمنی و پنهانی زنان دم می زند و می گوید: زن که از قریب پیش توانسته است به صورت دیگر مرد را تحت تأثیر قرار دهد. چرا می باید در ملاء عام و فضای علنی وارد این فعالیت شود؟ زن همیشه یک جور پست سرد بوده است. او گرچه در حوزة خانواده فعال بوده. ولی درست از همین طریق روی کارهای مرد نفوذ زیادی داشته است.

- من تردید دارم که زن یک چنین تأثیر بزرگی روی اقدامات مرد می گذاشته است. چون که مردها خیلی زنها را تحقیر می کرده اند و اصلاً او را تحویل نمی گرفته اند. اگر آدم نگاهی به متون ادبی. کتابهای دینی و فلسفی بیندازد و اظهارات و احکامی را جمع آوری کند که مردان در باره زنان نوشته و گفته اند. آن وقت خوب معلوم می شود که مرد جماعت تا چه حد زن را پست و حقیر می شمرده است. برای همین است که مرد پیوسته برای نظر و عقیده یک مرد دیگر بیشتر اهمیت قائل می شود تا به اظهار نظر یک زن دیگر. چه رسد که بقیه در صفحه ۸

آینده نقش از زنان دارد

بقیه از صفحه ۷

به گفته های زن خودش توجه کند. البته بعید نیست که زن با فداکاری و مایه گذاشتن زیاد، مبنای لازم را برای رشد و پیشرفت مرد فراهم می آورد و کاری می کرده که او از نردبان ترقی و بزرگی بالا رود. ولی به این خاطر که مردها زن را مورد توجه و احترام قرار نمی داده اند. سهل است. ای بسا این جنبه قضیه هرگز به فکرشان هم خطور نمی کرده است. اغلب هم این طوری است که زنها به همان تصورات خود بزرگ بینانه و جاد طلبیهای شغلی مردشان چشم می دوزند و هویت خود را در خواسته های مرد می بینند. انگار که این اوست که می باید آرزوها و رؤیاهای آنها را واقعیت بخشد. طبیعتاً این نوع تحول و رشد زنانه. خیلی مطلوب مرد است. چون بر خیالیاتیهای خودپسندانه وی مهر تأیید می زند. و در عین حال. استعدادهای شغلی و تواناییهای فکری زن را صیغ می کند.

ولی خوب. اغلب گفته می شود که زنها با فداقت خاصی. بدون این که خود آقایان خواستار باشند. مردها را تحت تاثیر قرار می دهند. فی المثل. وقتی که زنی از مرد می کند مرد از نردبان ترقی شغلی بالا رود. این مهم اتفاق می افتد. بدون این که کسی متوجه شود که اساساً آن زن پشت این تحول بوده است.

- طبیعتاً همچو مواردی هست که بلند پروازی و همت زن اسباب تسویق و موفقیت مرد می شود. ولی بالاخره این مرد است که از نردبان ترقی بالا می رود. با فوت و فنهای مردانه و در جامعه ای تحت تسلط مردها. وانگهی. این تهییج و ترغیب که معنای وجود و تصادم واقعی زن برای خود. مرد و دشواریهای موقعیت اجتماعی و مسائل مربوط به ارتقا مقام و مسند وی نیست. اگر این طوری می بود. ای بسا زنان می توانستند توسط مردپیشان هم که شده تغییراتی در جامعه ما به وجود آورند.

مسیحیان اولیه. کمونیستها و

انساندوستان

اصلاً تاکنون گروهیهای اجتماعی بوده اند که بتوانند برای ما زنان تن و اختیار سرمشق داشته باشند!

- مسلماً در طول تاریخ گروهها. و اصول و موازینی وجود داشته اند که مرد و زن می توانستند در مبارزه علیه سلطه استثمار با آنها اشتراک هویت داشته باشند. به عنوان نمونه سه گروه را نام می برم: مسیحیان اولیه. کمونیستها و اومانیستها. انسانهایی که در آن مرحله اولیه دور مسیح جمع شده بودند. همگی جانب ضعیف. مستمندان و سرکوب شدگان را می گرفتند. آنها بیش از آن چه که تا آن زمان معمول بود از زنان

حمایت می کردند. در مورد کمونیستها نیز باید گفت آنها هم پیروی آرمان عدالت بودند. آرزو داشتند نعمتهای مادی و معنوی به صورت بهتری بین انسانها تقسیم شوند. و سلطه و انقیاد بشر رو به زوال رود. اما انساندوستانی که این جا منظور من هستند. نه مثل کمونیستها حزب درست کردند و نه چون مسیحیان کلیسا ساختند. بیکار آنها برای بهبود جایگاه و موقعیت انسانی. کسب امکانات مساوی آموزش و علیه ساختارهای اجتماعی ارباب منشاء بود. برای انساندوستان مهم است بتوانند خود را به جای دیگران بگذارند و احساس همدردی نشان دهند. و بفهمند که آدمها دارند چه بلایی سر آدمهای دیگر می آورند. بشردوستان نیز با گروههایی مبارزه می کنند که صرفاً دنبال اعمال قدرت و سلطه بر دیگران هستند و بی رحمانه منافع خود را به کرسی می نشاندند. آنها علیه کسانی هستند که نه احساس و توجیهی نسبت به اقلیتها دارند و نه از مراعات حقوق دیگرانیشان بویی برده اند.

مسیحیان اولیه. کمونیستها و اومانیستها - در مورد این سه گروه می توان گفت که دست کم در آغاز کارشان. عمدتاً آن صفتها و ویژگیهایی برجسته بود که ما به عنوان خصنهای زنانه شرح دادیم. یعنی اشتراک هویت و احساس همدردی با مستمیدگان. احساس نیاز به یاری و دستگیری مردمان بی کس و بیمار. اشتیاق کمک به رشد انسانها. و آرزوی استقلال و انکشاف بیشتر آنها. همه این خصوصیات را می توان در هر قدرتمندانه دست پرورده آنها بر سر کلیسای مسیحی و کمونیسم آوردند. مسأله دیگری است. طبیعتاً با تسلط طولانی این دستگاههای سنس مراتبی دیگر چیزی از آن آرمانهای زنانه بی دوران اولیه باقی نماند. کار مسیحیان و کمونیستها خیلی زود در سیری مردانه به انحطاط کشید.

بار دیگر: زنانه

راستی شما به چه تربیت به این تعاریف زنانه و مردانه می رسید! آخر. از صفات و خصوصیتی با عنوان زنانه یاد می کنید که مردها نیز می توانند داشته باشند. یا این که وجود این استعداد و مجموعه خصننها. مربوط به پروسه زیمان است و زن با بچه زاییدن صاحب این خصوصیات می شود!

- من که یقیناً مدافع آن نظریه نیستم که وضع و حال کنونی ما را از زاویه بیولوژی و زیست شناسی توضیح می دهد. البته موقعیت جسمی و زیست شناسانه. نقش مهمی برای هر یک از ماها داشته است. مردها تاکنون بچه زواییده اند. کماکان هنوز این زنها هستند که بچه به دنیا می آورند و با

عمل زاییدن انگیزه مراقبت از موجود محتاج به کم را نیز پیدا می کنند. چون به هر حال می دانیم که نوزاد شیرخوار موجود کاملاً بی دفاعی است. بدیهی است که بعد از تولد کودک، مردها هم می توانند درست مثل زنها برای نوریسیده مایه بگذارند و از او نگهداری کنند. کاری که فقط گروه کوچکی از مردهای علاقمند و بچه دوست جامعه ما انجام می دهند و در رشد شخصیت طفل اثر بسیار مثبتی می گذارد. در هر حال. خصوصیات بارز مرد و زن گرچه با بیولوژی ارتباط داشته ولی به درجات بیشتری ناشی از تعمیم و تربیت آنها بوده و تحت تاثیر ارزشهای حاکم بر جامعه و نقشهای تقسیم بندی شده شکل گرفته است. خود شما هم به این واقعیت اشاره داشتید: همان طور که یک مرد معمولی در جهت کمک و رسیدگی به اموز کودکان تربیت نمی شوند. زن نیز کمتر تعلیم و تربیتی می بیند که معصوف به امور و وظایف اجتماعی باشد. زن به زوالی بار نمی آید که نسبت به مسایل جامعه ای که در آن زندگی می کند مسئولیت احساس کند و مطابق آن در تحولات جاری مداخله نماید. به غلط ادعا می شود که زن برای پیش بردن و به کرسی نشاندن خواسته های سیاسی. اقتصادی. علمی و غیره. اعصاب و تواناییهای لازم را ندارد. می گویند زن از این کارها سر در نمی آورد و به اندازه کافی هوشمند نیست! طبیعتاً همه اینها حرف مت و بی معناست. نمونه های فراوان وجود دارند که همگی کذب و بطلان این مدعاها را ثابت می کنند. برای بهبود امور جامعه. حضور زن در صحنه و اعمال نفوذ او ضرورت عاجل دارد. ولی عواقب تعمیم و تربیت و مواضع و مخالفتهای مربوطه سد راه وی هستند و با ایجاد مزاحمت نمی گذارند زن حرکت کند و تواناییهای خود را به منصف ظهور رساند. این بی حرکتی موقعی پایان خواهد گرفت که روان تربیت عوض شود.

وقتی از همان بدو کودکی برای زن روشن باشد که در آینده مثل مرد دنبال حرفه و شغل می رود. مانند مرد نسبت به امور جامعه مسئول خواهد بود و چیزی به نام توانایی و یا عجز زنانه مادرزاد وجود خارجی ندارد. آن وقت حالت انفعال و بی عملی نیز منتفی خواهد شد.

احیاً در شهر روریخ. در بسین محصلان ۱۶ سانه دو کلاس نهایی که عنقریب مدرسه را تمام می کردند و وارد کار و حرفه می شدند. یک همه بررسی انجام شده است. از آنها در باره نقششان در جامعه و این که نسبت به حیات اجتماعی چگونه می اندیشند سؤال شده است. دختران و پسران جوان می بایست توضیح دهند در آینده چه جایگاهی در جامعه برای خود قائلند و در مورد فعالیتهای اجتماعی چه نظری دارند. نتیجه این نمونه بررسی نشان دهنده است. در یک کلاس مختلط مرکب از ۲۰ دانش آموز. فقط دو دختر و سه

پسر نسبت به کارها و تحولات اجتماعی علاقه نشان داده اند و گفته اند در انتخابات شرکت خواهند جست. دیگران همه نسبت به این امور اظهار بی علاقه کرده و جوابهایشان به ترتیب زیر بوده است: برای ما ورزش مطرح است. در درجه اول ورزش. برای ما وضع خوب اقتصادیدن اهمیت دارد. برای من پیدا کردن محل کار مهم است. کارهای اجتماعی را دیگران انجام دهند. این بی اعتمادی و عدم علاقه به امور اجتماعی. درست به تسوی شانل حال دختران و پسران بوده است.

- خوب این واکنشها که می توانند هم نشانه ای مثبت باشد و هم منفی. شک و شبیه در باره امور جاری در این جامعه و سنسنه مراتب مردانه آن. بدیهی نسبت به تصورات و ارزشهای مردسالارانه و تردید راجع به نقشهای تحمیلی و روشهای استثمار حاکم. عمیقاً در ذهن جوانان. اعم از پسر و دختر. جای گرفته است در گذشته و زمانی که چندان دور. پرداختن به سیاست و سیاسی بودن خیلی حیثیت و آبرو داشت. ولی حالا این طور نیست.

اخون موضع گیری سیاسی یک جور همراهی با اصول و ارزشهای حاکم شمرده می شود. به نظر می رسد. جامعه و نقشها و ارزشهای آن در هدایت عمومی حقیقتاً زیر سؤال رفته است. برای همین است که نه پسران و نه دختران جوان علاقه ای به آن نشان نمی دهند. البته. دختران در اثر تعمیم و تربیتی که دیده اند. تمهات ندارند بگویند. بسیار خوب. ما به منظور ایجاب تحسرن در جامعه وارد فعالیت اجتماعی می شویم.

پسران جوان هم به صور فزاینده از انا اطوار و اصول مردسالارانه دنیای پیرامون خود گریزانند و حاضر نیستند هویت خود را با این میزاسوی همنه معین کنند. این که می ببینیم همچنان کسب هویت از پیروی از سر شوق. صاف و ساده فروکش کرده. عنش این است که

اصول و ارزشهایی که می بایست به آنها هویت ببخشند. خود مورد شک و تردید قرار گرفته اند. و این نابوری و دو نلی هر دو جنس زن و مرد را فرا گرفته است. ولی. این وضعیت را می توان مثبت هم تعبیر کرد. چون اگر قرار باشد امکانات تازه و رفتارهای اجتماعی نری پا بگیرد. اول باید یک چیزهایی از سته بیفتد و مصلح شوند. و به همین جهت امروزه جنبشهای زنان. خیلی بیشتر از آن چه به چشم عموم می آید اهمیت دارند. این حرکتها. و اصلاً نقش زنان در دنیای امروز. بسیار مبحتر از آن است که افکار عمومی به نظرش می رسد. چون. معومست و معرفت زنان و کوششهای آنها برای بازاندیشی ارزشها. این بار به یک دنیای اصول و ارزشهای مردانه ای بر می خورد که همه جنبش ترک برداشته. سست و خراب دیگر اعتباری برایش باقی نمانده است.

دمه درد

درسهایی برای قرن بیست و یکم

کابرا، معمار انقلاب ضد استعماری گینه بیسائو

مقدمه:

ژانویه هر سال یادآور شهادت آمینکار کابرا، انقلابی برجسته آفریقا و رهبر انقلاب ضد استعماری گینه بیسائو، به دست توطئه گران و عمال استعمار پرتغال است. او نزدیک به دو دهه مبارزه مسنحانه سرگی را علیه استعمارگران پرتغالی سازماندهی و هدایت نمود. همین مبارزه انقلابی بود که در نهایت به آزادی گینه از استعمار پرتغال در سال ۱۹۷۳ انجامید.

بی تردید، انقلابیون ایرانی، بعد از گذشت نزدیک به سه دهه مبارزه مسلحانه انقلابی علیه دیکتاتوری وابسته شاه و رژیم دیکتاتوری مذهبی حاکم، حوزه دست آورده‌های گرانمایی در امر سازماندهی و هدایت نبرد مسنحانه داشته اند. از سوی دیگر، شرایط مبارزه ای که انقلابیهای گینه درگیر آن بودند، به میزان بسیار زیادی با شرایط مبارزه انقلابی در پیروز و امروز ایران متفاوت است. نبرد رو در رو با رژیم استعماری در گینه، که به مبارزه ویژه گمی مبارزه با یک دشمن خارجی را می داد، یکی از بزرگترین تفاوت‌هایی است که می توان برشمرد. به علاوه شرایط و ویژه گیهای اجتماعی و اوضاع نگرگون جهانی، ویژگیهای منطقه ای و مسائل تکنیکی، از جمله دیگر تفاوت‌هایی است که مبارزه انقلابی: حزب آفریقایی استقلال برای آزادی گینه و دماغه سبز را از مبارزه انقلابی امروز ما متمایز می سازد. به هر حال هدف در این جا برنبرد و تحلیل یک به یک این تمایزها و یا تشبیها نیست. آنچه که مطرح است این است که بر رغم همه این مسائل جا دارد که با بزرگداشت یک انقلابی و یک مبارزه انقلابی، از آن درس آموزی نمود. بی تردید مبارزه خلقها در سراسر جهان و در هر دجای تاریخ به هم وابسته است.

نشریه نبرد خلق در شماره ۱۰۶ (فروردین ۱۳۷۳)، مقاله ای با عنوان تئوری خودتشی طبیعتی آمینکار کابرا و سوسیالیسم انقلابی چاپ کرد، که در آن به جزئیات بیشتری در مورد شرایط انقلاب در گینه پرداخته شده است. بی تردید مطالعه این مقاله در کنار آن نوشتار می تواند کاملتر باشد. تنها یک نکته را لازم می بینم که یادآوری نمایم. کابرا در تاریخ بیستم ژانویه ۱۹۷۳، شب هنگام که به همراه همسرش به خانه باز می گشت، در مقابل دفتر حزب در خونکاری هدف گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید. وی قربانی توطئه کودتایی بود که به تحریک پرتغالیها و به دست برخی عناصر فرست طناب حربی سازماندهی شده بود. اگر چه کابرا در این توطئه به شهادت رسید، اما خودتشیان شکست خورد و در مدت کمتر از ۲۴ ساعت باطشان برچیده شد و خود نیز که قصد داشتند به وسیله قایق به ناوگان پرتغال برسند توسط نیروی دریایی گینه دستگیر شدند. کشور گینه هشت ماه پس از این واقعه، یعنی در سپتامبر ۱۹۷۳، در سوگ کابرا به استقلال خویش دست یافت. در مقاله خودتشی طبقاتی ... مندرج در شماره ۱۰۶ نشریه نبرد خلق تاریخ شهادت کابرا و استقلال گینه به اشتباه سال ۱۹۶۲ ذکر شده است.

مروری کوتاه بر نوشته های موجود

منبع: ماهنامه مانتلی ری ویو،

شماره ۷، دسامبر ۱۹۹۸

نویسنده: سینوستر کوهن، استاد تاریخ در دانشگاه A&M فلوریدا
مترجم: ب. محله

بی تردید آمینکار کابرا یکی از نایغ ترین اندیشمندان سیاسی و انقلابی است که قاره آفریقا تاکنون به خود دیده است. آنچه که اما غالباً نادیده گرفته شده و یا نادیده بیتر است بگویم که کمتر شناخته شده. این است که کابرا دارای خلاقیتی در امور نظامی بود که در آفریقا و جهان سوم کم نظیر است. هدف این مقاله کنکاش در نوشته های کابرا و ادبیات موجود در این زمینه به منظور دریافت استراتژیهای سیاسی - نظامی کنیدی کابرا است که وی را موفق ساخت که «حزب آفریقایی استقلال برای آزادی گینه و دماغه سبز» (PAIGC) را در مبارزه اش علیه استعمارگران پرتغالی پیروزمندان رهبری کند. این بررسی بر آن است که انقلاب سوسیالیستی موفق در آفریقا بدون درس گیری سیاسی و نظامی از امینکار کابرا امکان ناپذیر است.

اگر موانع بی شماری که در اوایل دهه شصت بر سر راه قیام ضد استعماری گینه بیسائو وجود داشت در نظر گرفته شود، آن گاه آینده قیامهای سوسیالیستی در آفریقا امیدوارکننده تر خواهند بود. آمینکار کابرا کشتور سحلی بسیار کوچکی را با ۶۰۰ هزار نفر جمعیت - کشوری که ۹۹ درصد جمعیتش بی سواد بوده و تنها چهارده تحصیل کرده دانشگاه داشت و مساحتش در حدود نو پنجم مساحت پرتغال بود - علیه نیروی سدرن نظامی پرتغال (روتن است که با معیارهای آن روز) که به طور نسبی از نیروی اعزامی از سوی ارتش آمریکا به ویتنام در اواخر دهه ۶۰ بزرگتر بود، رهبری نمود. به علاوه پرتغال در بیشتر دوران جنگ (۱۹۷۴-۱۹۶۲) از حمایت متحدینش در پیمان ناتو برخوردار بود. باید توجه داشت که پیمان نظامی ناتو قوی ترین پیمان نظامی جهان در آن موقع بوده و امروز نیز هست. در ابتدا (PAIGC) انتظار نداشت که بتواند از نظر سادی به نیروهای نظامی استعماری مقابله کند.

اما به گفته کابرا «پیروزی در مبارزه آزادیبخش ملی در مرحله نخست برآمد نیروی انسانی بوده و نیروی مادی در مرحله بعد از آن قرار می گیرد - پیروزی پیش از همه و در مرحله نخست به حوست و اراده

مردم گینه و کیس وردی در درهم شکستن یوغ استعمار وابسته است. (۱)
«حزب آفریقایی استقلال برای آزادی گینه و دماغه سبز» سه سال پس از تشکیل در سال ۱۹۵۹، اعتصاب باراندازان بیسائو، پایتخت کشور، را سازمان داد. این اعتصاب با کشتار ۵۰ نفر از باراندازان در Pidguiti در پنجم اوت ۱۹۵۹ خاتمه یافت. کابرا و همراهانش به این نتیجه رسیدند که مردم گینه از طریق مبارزه مسالمت آمیز به استقلال دست نخواهند یافت. در این شرایط بود که حزب به صورت مبارزه مسنحانه رسید. و بنابراین تصمیم گرفت که با به جا گذاشتن سازمان مخفی کوچکی در بیسائو و دیگر شهرهای کشور بقیه امکاناتش را برای کار سیاسی در میان دهقانان به مناطق روستایی انتقال دهد. زیرا کابرا بودند که پیش از به راه انداختن موفقیت آمیز مبارزه مسنحانه می باید که دهقانان را از نظر سیاسی به حرکت در آورند.

منظور کابرا از تحریک سیاسی دهقانان این بود که آنان می باید به مثابه نیروی اصلی در نبرد آزادیبخش ملی علیه استعمارگران پرتغالی به گونه ای مؤثر سازماندهی شوند. خوشبختانه کابرا خود به شکلی یگانه صلاحیت آن را داشت که رهبری این کار سیاسی در میان دهقانان گینه بیسائو را به عهده بگیرد. وی یک برزقشناس آموزش دیده بود. از همین روی بود که وی در سال ۱۹۵۴، و از سوی رژیم استعماری پرتغال یکت آمارگیری سراسری کشاورزی را به انجام رسانده بود. این پروژه به وی فرصت لازم را داده بود تا با همه اقوام ساکن در تمامی بخشهای مستعمره از نزدیک آشنا شود. کابرا توانست سیستمهای مختلف اقتصادی، آداب و سنن گروههای مختلف قومی ساکن گینه بیسائو را شناخته و ارزیابی کند. تردیدی نیست که در آغاز نبرد مسلحانه در سال ۱۹۶۲ او بیش از همه با وضعیت مستعمره آشنا بوده و واقعیتهای جامعه گینه را درک می نمود. دانش و آگاهی کابرا در این زمینه فرصتی بسیار عالی را برای وی در رهبری انقلاب صد استعماری فراهم ساخت. وی به درستی گفته بود که: «شروع مبارزه مسلحانه مؤثر امحان پذیر نیست ... مگر این که واقعیتهای جامعه را به عینه درک کرده باشیم ... و براساس این واقعیتهاست که باید مبارزه مان را آغاز کنیم» (۳)

وی از دیدگاهی رئالیستی می دانست که توصیح واقعیت و اثبات نیاز به یک انقلاب برای توده های دهقان، توده های بی اشتیاق به انقلاب و دیرباز، خود نیازمند کاری وسیع و رسانی ضولانی است. اگرچه

دهقانان نیروی عمده انقلاب بودند. اما هنوز در سال ۱۹۵۹ یک نیروی انقلابی نبودند. در سال ۱۹۶۰ که کابرا درگیر کادرسازی در خونکاری بود، تا آنها را برای کار سیاسی در میان دهقانان به گینه اعزام کند، این گونه رهنمود می داد: «به یاد داشته باشیم که مردم ابتدا به ساکن برای ایده ها، چیزهایی که تنها در ذهن افراد وجود دارد، مبارزه نمی کنند. مردم پا به میدان مبارزه می گذارند و فداکاریهای لازم را نیز تقبل می کنند. اما شرکت آنها در مبارزه به خاطر پیشرفت مادی، صلح و بهبود سطح زندگیشان، برای ترقی و برای تصمیم آینده ای بهتر برای فرزندانمان است» (۴)

کابرا بارها و بارها نحوه برخورد با ریش سفیدان روستاها را با کادرها تمرین می نمود. (۵) حتی بحثهایی که باید در می گرفت نیز در این تمرینها به دقت انتخاب می شد. (۶). انتونیویانا، یکی از کادراهای PAIGC، در این باره می نویسد: «پیش از رفتن و ملاقات با ریش سفیدی سعی می کردیم تا اطلاعات کافی در باره آنها به دست بیاوریم. باید حاملاً مراقب می بودیم. می بایستی راجع به زندگی روزمره وی، موصع و موقعیتش در روستا، و رابطه اش با پرتغالیها اطلاعات کافی به دست می آوردیم...» (۷)

روند ایجاد حرمت سیاسی متضمن برگزاری صدها میتینگ و گفت و شنود با ریش سفیدان روستاها و حدود روستائیان بود. کابرا کادرها را آماده ساخته بود تا بتوانند تمامی موضوعات مربوط به مبارزه آزادیبخش ملی را با روستائیان به بحث بگذارند. این کار پیش نیاز آماده سازی روستائیان برای شرکت در مبارزه مسلحانه بود. احتمالاً بر بسیاری یکی از کرانهاترین گوهری بود که کابرا در ایس دوره از آن برخوردار بود. در سال ۱۹۶۰ فرانسیس فانون، تئوریسین انقلابی آفریقایی، به شدت از کابرا و PAIGC به این دلیل که سریعاً وارد جنگ نمی شوند، انتقاد نموده بود. (۸) کابرا موافقتش را در این مورد این گونه توضیح داد: «بهتر است که مبارزه مسلحانه را با تأخیر، اما با یقین به امکان ادامه کاری آغاز کنیم. تا این که به طور زورس و پیش از آن که تمامی شرایط را برای اطمینان به ادامه کاری و پیروزی خلقمان فراهم ساخته باشیم. به آن دست زنی» (۹)

کابرا واقعیت جامعه گینه بیسائو را بهتر از قانون می شناخت و برای شروع نبرد آزادیبخش ملی تا سال ۱۹۶۲ صبر نمود. در شب سی ام ژوئن و اول ژوئیه سال ۱۹۶۲ بود که یک رشته تهاجمات ایذایی از پایگاههای بقیه در صفحه ۱۰

کابرا، معمار انقلاب ضد استعماری گینه بیسائو

بقیه از صفحه ۹

P-ALIGC در گینه شروع شد. (۱۰) دکتر جرارد چالیاند در بررسی خود از جنگهای چریکی ضد استعماری می گوید: در اوت و سپتامبر ۱۹۶۲ کنفرانس چهارم کادرهای حزب در کوناکری برگزار شد. و قرار گسترش نبرد مسلحانه را به هر قیمتی به تصویب رساند. تا ژانویه ۱۹۶۳ کارزار چریکی وسیعی نیمه جنوبی کشور را فرا گرفته بود. (۱۱)

طبق نظر جاک مک کولاج کابراول استراتژی گریز از مرکز را برگزید. به تناسی که نبرد اوج می گرفت چریکها از ناحیه مرکز به سمت حاشیه حرکت می کردند. (۱۲) این استراتژی نوآوری مهمی بود. و این بهره را به همراه داشت که توانست پرتغالیها را کاملاً غافل گیر کند. از آنجا که عملیات ایذایی نخستین از پایگاههای مبارزان در داخل خاک جمهوری گینه آغاز شده بود. پرتغالیها مطمئن بودند که چریکها یا از آن کشور و یا از خاک سنگال. که پناگاه امنی برای رزمندگان به نظر می رسید. نبرد را آغاز خواهند کرد.

کابراول بر این باور بود که همه فعالیتها و حرکتها اهداف نظامی باید در خدمت پیشبرد اهداف سیاسی نبرد. که همانا آزادی گینه بیسائو از سلطه استعمار و ساختمان جامعه سوسیالیستی است. باشد. (۱۳) اساساً به این خاطر بود که رزمندگان به صفوف حزب می پیوستند. این نیز خود نوعی نوآوری بود که تا آن موقع در میان انقلابیهای سوسیالیستی در خارج از آفریقا نمونه نداشت.

در اوایل نبرد با استعمارگران پرتغالی. برخی از فرماندهان PAIGC به ملوک الطوائفی گرایش یافته و از موقعیتشان برای کسب منافع شخصی استفاده می نمودند. در کنگره کاساکا در سال ۱۹۶۴ آن دسته از فرماندهان که به سوء استفاده از مقامشان محکوم شده بودند به تناسب سنگینی جرمشان خلع مقام. زندانی و یا اخراج شدند. (۱۴) اقدامهای کنگره کاساکا به کابراول امکان داد تا برتری حزب را بر ارتش تثبیت کند. خطوط فرماندهی از کابراول تا رهبری اجرایی. و تا رزمندگان در جبهه به دقت ترسیم گردید. کابراول اعلام نمود که: هر رزمنده ای باید از دیسیپلینی دوگانه برخوردار باشد. نخست انضباط حزبی به عنوان یک رزمنده آگاه حزب ما و دوم انضباط نظامی به عنوان عضوی از نیروهای مسلح ما. (۱۵)

هرگز اجازه داده نشد که این واقعیت که مبارزه سیاسی همواره بر مبارزه نظامی برتری دارد. توسط هیچ کس در نهضت آزادیبخش ملی به دست فراموشی سپرده شود. بیسل دیویدسن. مورخ انگلیسی. به بهترین وجهی

چگونگی انجام این مهم را جمعبندی نموده است: «کمیسرهای سیاسی. که در تمام سطوح فرماندهی در کنار فرماندهان گمارده می شدند. نظراتشان غیر قابل سرپیچی بود. نیاز به کمیسرهای سیاسی هم تاکتیکی و هم استراتژیک بود. از نقطه نظر تاکتیکی: دموکراسی لازمی موفقیت واحدهای ارتش آزادیبخش است. این واحدها از داوطلبان تشکیل یافته و سربازگیری اجباری در آنها وجود ندارد. محرک اصلی این داوطلبان. پیش از هر چیزی. سیاسی بوده و روحیه و کارایی شان بی تردید. بسته به بحث و اقتناع است: (۱۶)

به علاوه. کمیسرها موظف بودند که به وضعیت رزمندگان رسیدگی نموده و تهیه آذوقه را نیز به عهده داشتند. (۱۷) یکی دیگر از نوآوریهای کابراول این بود که نظارت بر کشت زمین توسط رزمندگان را. در دورانی که فعالیتها نظامی فووکش می کرد. به کمیسرها سپرده بود. رزمندگان. هم چنین وظیفه داشتند که تحت نظارت کمیسرها هر زمان که میسر بود به روستائیان در امر کشت و برداشت محصول کمک کنند. بر عهده کمیسرها بود که دائماً این حقیقت را که چریکها خدمت گذار خلق هستند یادآوری نمایند.

کابراول همواره اهمیت کسب و حفظ پیشگامی را به چریکها یادآور می شد. یعنی آنچه که دیویدسن آن را «پیشگامی استراتژیک» می نامد - توان حمیل تصمیمهای کلیدی بر دشمن. تصمیمهایی که براساس آنها مبارزه شکل گرفته. در طول زمان توسعه یافته و از فازی به فاز بعدی عبور می کند. (۱۸) در حالی که چریکها در آذوقه سازی و زمین و به دست آوردن سلاحهای پیچیده تر پیشرفت می کردند. کابراول و رهبری حزب می بایستی که با نوآوریهای لازم ساختار سیاسی و نظامی حزب را چنان دگرگون می ساختند که بتواند از واقعیتهای نو بهره جسته و برای مرحله بعدی مبارزه آماده گردند.

حفظ پیشگامی در کلیه مراحل مبارزه قطعاً بدون داشتن آگاهی کافی از قدرت و فعالیتها نیروهای پرتغالی امکان پذیر نبود. نیاز به داشتن آگاهی در این زمینه توسط یکی از فرماندهان کابراول این طور بیان شده است: «چشم بسته و بدون دانش از تواناییهای دشمن باید از دست زدن به عمل خودداری کرد. باید سعی نمود تا اطلاعات کافی نسبت به پادگانهای دشمن و منطقه عملیاتی به طور کلی: وضعیت و روحیه نیروهای دشمن. تواناییهایشان. و اراده شان برای نبرد به دست آورد. ... باید تا جایی که می توان در باره تسلیحات دشمن. وسایل حمل و نقل. مخازن سوخت. منابع آب آشامیدنی و غیره اطلاع به دست آورد. هر کارگر مسئول باید به یاد داشته باشد که دست زدن به عمل علیه دشمن ناشناخته همانند پا گذاشتن به اتاق تاریکی است که مملو از موانع

مختلف بوده. در حالی که قادر به روشن کردن چراغی در آن نیستیم.» (۱۹) متقابلاً. از نظر کابراول آگاهی داشتن نسبت به تواناییهای خود نیز دقیقاً به همان اندازه مهم بود. یعنی در هر وضعیت نظامی مفروض. می باید از توان تسلیحاتی و نیروی انسانی خود به درستی آگاه بود. فرماندهان می بایستی از تعداد افراد حاضر در یک واحد عملیاتی آگاهی داشته و از تواناییهای فردی و ظرفیت نظامیشان در وضعیت جنگی به دقت اطلاع می داشتند. فرماندهان وظیفه داشتند که به طور روزانه از نیروی انسانی و سلاحشان آمارگیری کنند. رهبر حزب همواره به رزمندگان هشدار می داد که «هرگز نباید کمتر از آنچه که می توان و باید انجام داد و در عین حال نباید دست به کاری زد که در حال حاضر واقعا در شرایطی نیستیم که بتوانیم انجامش دهیم.» (۲۰) منظور کابراول از یک نبرد پاکیزه و در عین حال تمام عیار اساساً همانی بود که در انقلاب ضد استعماری گینه به وقوع پیوست. پاکیزگی نبرد در آن بود که به هیچ روی تلاشی برای ترور و یا ایجاد رعب و وحشت در میان غیر نظامیها. سیاه و یا سفید. صورت نگرفت. با این حال. ترحمی نیز به جاسوسان و عمال استعمارگران و ماموران پرتغالی نمی شد. از سوی دیگر. کابراول و PAIGC جنگی تمام عیار را علیه پرتغالیها به منظور از میان بردن هر آنچه که ممکن بود برای دشمن مفید و واجد ارزش باشد. به راه انداختند. کابراول اید جنگ تمام عیار را این گونه شرح می دهد. همه مسئولان و رزمندگان حزبی و همه احاد ساکنان سرزمین گینه و کیپ وردی باید بدانند که نبرد ما تنها در سطح سیاسی و نظامی باقی نمی ماند. نبرد ما - مقاومت ما - باید تمامی شئون زندگی ما را فرا بگیرد. ما باید هر آن چیزی را که احتمالاً دشمن می تواند به عنوان ابزاری برای ادامه حاکمیتش بر خلق ما استفاده کند. نابود سازیم. در عین حال باید بتوانیم هر آن چیزی را که برای آفریدن زندگی نوین در سرزمین ما لازم است از نو بسازیم. (۲۱)

برای میهن پرستان ایجاد یک زندگی بهتر برای دهقانان در مناطق آزاد شده کاملاً حیاتی بود. به نظر کابراول این یک استراتژی خطیر سیاسی - نظامی به حساب می آمد. زیرا که اگر PAIGC شرایط زندگی در مناطق آزاد شده را به حال خود رها می کرد تا همان گونه که بود باقی بماند و یا حتی بدتر شود. برای دهقانان انگیزه ای برای ادامه مبارزه باقی نمی ماند. از آن گذشته. اگر مبارزه برای یک زندگی بهتر نبود. پس چه دلیل دیگری می توانست داشته باشد؟ برای آن که مبارزه ادامه داشته و رشد کند. می بایستی که زندگی دهقانان بهبود می یافت. چیزی که استعمارگران هیچ گاه انجامش نداده بودند.

ایجاد فروشگاههای خلق یکی از نوآورانه ترین عناصر در این استراتژی سیاسی - نظامی برای تقویت و تشدید حمایت از مبارزه مسلحانه بود. «فروشگاههای خلق خرده فروشیهایی بودند که با کمک حزب ایجاد شده و در آنها محصولات کشاورزی و مواد خام با وسایل مصرفی مورد نیاز دهقانان مبادله می شد.» (۲۲)

پرتغالیها موفقیت و اهمیت استراتژیک فروشگاههای خلق را درک کرده بودند - به ویژه ژنرال اسپینولا فرماندار مستعمراتی گینه بیسائو آن هنگام که «سعی کرد تا با پایین آوردن قیمتها در مناطق اشغال به رقابت با این فروشگاهها برخیزد.» (۲۴) کابراول معتقد بود که باید قاطعانه با این رقابت مقابله شود. (۲۵)

سه نوآوری دیگر که برای آفرینش یک زندگی بهتر در مناطق آزاد شده اهمیت اساسی داشت عبارت بود از: ۱- ایجاد سیستم قضایی. ۲- ایجاد سیستم درمان و بهداشت. ۳- ایجاد یک سیستم آموزشی. قضاوت به طور دموکراتیک از میان روستائیان برگزیده می شدند. این امر به ایجاد یک سیستم منصفانه و برابر حقوق قضایی. که در حاکمیت پرتغالیها وجود نداشت. کمک به سزایی می نمود.

شایان توجه است که کابراول توانست با دریافت مقادیر زیادی دارو. ابزار و وسایل. آموزش و پرسنل از طریق کمکهای بین المللی شبکه کارآزادی از درمانگاهها و بیمارستانها را برای برآوردن نیازهای رزمندگان و روستائیان ایجاد نماید. باید توجه داشت که اگرچه با کمک عناصری از خودگذشته و بدون امکانات کافی آغاز مبارزه مسلحانه امکان پذیر بود. اما بدون در دست داشتن کمکهای پزشکی برای مجروحان. به دست آوردن پشتیبانی هزاران دهقان امکان پذیر نمی شد. برای کابراول. اما. داشتن امکانات پزشکی کافی به هیچ روی به معنای پذیرفتن تلفات سنگین نبود. وی همواره از چریکها می خواست تا با کمترین تلفات ممکن بیشترین تلفات را به نیروهای دشمن وارد سازند. قبل از هر حمله و یا کمین. طرحهای دقیقی گوناگون نشان مورد بررسی قرار می گرفت. حتا از دست دادن یک رزمنده در چنان شرایطی فقدان بزرگی محسوب می شد.

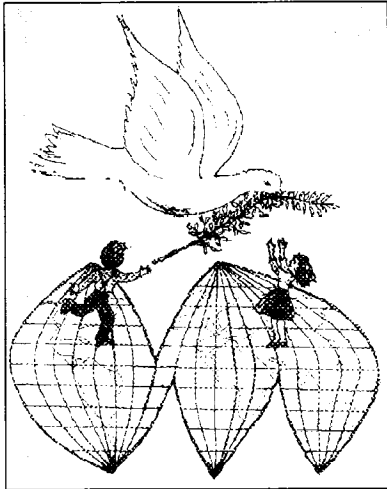
کابراول به اهمیت تأثیر به سزایی که یک سیستم آموزشی کارا در درازمدت بر مبارزه مسلحانه و ساختمان آینده کشور داشت واقف بود. زیرا به وسیله سیستم آموزشی بود که روح فداکاری و از خودگذشتگی برای پیوستن به صفوف انقلاب در مردم به وجود می آمد. سیستم آموزشی در مناطق آزاد شده. و یا در کوناکری. پزشک و پرستار تربیت می کرد. که می توانستند نرخ مرگ - میر نوزادان را کاهش داده و یا به کمک زخمیهای جنگ بشتابند. سیستم

بقیه در صفحه ۱۱

کابرا ل معمار ...

زیر نویس:

گزارش یونیسف
در آستانه سال ۲۰۰۰



طرح: فرنگیس

وضعیت کودکان جهان
در آغاز هزاره سوم

روز شنبه ۲۰ نوامبر، کارول بلامی مدیر اجرایی «صندوق کمیک کودکان ملل متحد» (یونیسف) به مناسبت دهمین سال تصویب معاهده حقوق کودک طی یک سخنرانی به وضعیت حقوق کودکان در سراسر جهان پرداخت. به گزارش خبرگزاریها وی از آمریکا به علت تصویب نکردن این معاهده، صوبه ۲۰ نوامبر سال ۱۹۸۹ انتقاد کرد. او گفت: ۱۹۱ کشور جهان معاهده یاد شده را به تصویب مجالس قانونگذاری خود رسانده اند و فقط آمریکا و سومالی همچنان از تصویب آن خودداری می کنند. این در حالی است که اکنون روزانه ۳۲ هزار کودک زیر پنج سال، از بیماریهای قابل پیشگیری می میرند و دولتها باید توجه داشته باشند که هر روز که می گذرد بر شمار تلفات افزوده می شوند. وی افزود، تهدید اصلی از جانب فقر، ایدز و درگیریهای مسلحانه است و جامعه جهانی باید هر چه سریعتر در اجرای مفاد معاهده حقوق کودک اقدام کند. وی با لحن تمسخرآمیزی گفت: به نظر من علت عدم تصویب معاهده حقوق کودکان توسط دو کشور یاد شده آن است که سومالی دولت ندارد و آمریکا بیش از یک دولت دارد. بلامی همچنین تصریح کرد که علیرغم پیشرفتهای فن آوری و توجه روزافزون به حقوق بشر، شکاف بین فقیر و غنی همچنان بیشتر می شود.

بلامی در سخنرانی خود گفت، تقریباً در همه ی کشمکشهای امروزی که آرامش مرزهای ملی را به هم می زند، ۹۰ درصد قربانیان را غیر نظامیان به ویژه زنان و کودکان تشکیل می دهند. مدیر اجرایی یونیسف گفت: هر سال ۵۸ هزار زن در اثر عوارض قابل پیشگیری، بارداری و زایمان جان خود را از دست می دهند. علاوه بر این از میان ۶۰۰ میلیون کودک، ۱۳۰ میلیون تن از آنان راهی به مدرسه ندارند. بلامی در مورد وضعیت حقوق بشر در مورد کودکان اعلام کرد که تنها ۳ میلیون از ۶۰۰ میلیون کودک در جهان در وضعیت مطلوب از نظر رعایت حقوق بشر هستند.

1. Jock MacColloch, In the Twilight of Revolution: The Political Theory of Amilcar Cabral (Boston: Routledge and Kegan Paul, 1983)
2. ibid
3. Amilcar Cabral, Unity and Struggle. Translated by Micheal Wolfers (New York: Monthly Review Press, 1979) p.44
4. ibid, p.241
5. Basil Davidson, The Liberation of Guinea: Aspects of an African Revolution (Baltimore: Penguin Books, 1969) p.53
6. ibid
7. ibid
8. Basil Davidson, "On revolutionary Nationalism: The Legacy of Cabral." Race and Class, 1986, vol. 27, No. 3, p.31
9. Unity and Struggle, p.225
10. Gerard Chaliand, Armed Struggle in Africa: With the Guerrillas in Portuguese Guinea (New York: Monthly Review Press, 1969) p.22
11. ibid
12. In the Twilight of Revolution, pp.20-21
13. Unity and Struggle, p.225
14. Mustafah Dhada, Warriors At Work: How Guinea Was Really Set Free (Nivot, Colorado: University Press of Colorado, 1993) p.20
15. Unity and Struggle, p.238
16. Basil Davidson, The People's Cause: A History of Guerrillas in Africa (United Kingdom: Longman, 1981) p.177
17. ibid
18. ibid
19. Unity and Struggle, p. 232
20. ibid
21. ibid, p.239
22. Warriors At Work, p.87
23. Amilcar Cabral, Revolution in Guinea (New York: Monthly Review Press, 1969) p.121
24. ibid
25. Gerard Chaliand, "Amilcar Cabral," International Journal of Politics, Vol. VII, No. 4 (Spring 1977-Winter 1977) p.16.

بقیه از صفحه ۱۰

آموزشی برای جوانان این امکان را می آفرید تا موضعشان را در مقابل استعمار پرتغال و امپریالیسم غرب درک کنند. آگاهی و مهارتهای لازم برای ایجاد آینده ای بهتر تنها از طریق آموزش میسر است.

هسته مرکزی استراتژی سیاسی - نظامی کابرا ل، بلافاصله پس از اعلام یک طرفه استقلال توسط میهن پرستان برای مناطق آزاد شده گینه بیسائو، برگزاری انتخابات آزاد و دموکراتیک بود. اگر چه کابرا ل در ژانویه ۱۹۷۳ به قتل رسید (پس از برگزاری انتخابات، اما پیش از اعلام استقلال گینه بیسائو در سپتامبر ۱۹۷۳)، اما درایت و استراتژی نوآورانه اش یک موفقیت تمام عیار بود. پس از اعلام استقلال توسط مجمع ملی در حدود صد کشور، جهان گینه بیسائوی مستقل و آزاد را به رسمیت شناختند. (۲۶)

اگرچه تنها عناصری از استراتژی انقلابی کابرا ل در این نوشته ارائه شده است، اما از همین هم می توان دریافت که چگونه کابرا ل توانست به طور سیستماتیک و تمام عیار انقلاب گینه را رهبری کند. آیا سوسیالیستهای آفریقایی بدون فراگرفتن این درسهای سیاسی - نظامی می توانند برای به دست آوردن پیروزی امیدوار باشند؟ پاسخ به این پرسش بی تردید منفی است! به عنوان مثال، بدون تحرک سیاسی در میان روستائیان، هر گونه قیام سوسیالیستی در آفریقا محکوم به شکست است. برای نهضتهای سوسیالیستی انقلابی آفریقا که نتوانند سطح زندگی را در مناطق تحت کنترلشان بالا ببرند، دست یابی به قدرت بسیار نامحتمل خواهد بود. بدون ایجاد یک سیستم آموزشی در کنار مبارزه مسلحانه، تلاش برای ایجاد جامعه سوسیالیستی به بیراهه رفته و بی نتیجه خواهد ماند.

البته فراموش نمی کنیم که موانع بر سر راه قیامهای سوسیالیستی در آفریقا، اکنون چندان کمتر از زمان کابرا ل نیست؛ زیرا که دیگر در جهانی دو قطبی زندگی نمی کنیم. پس از فروپاشی اتحاد شوروی کمکهای نظام اش، که آن زمان در دسترس کابرا ل بود، امروز در دسترس سوسیالیستهای آفریقا نیست.

اما، حتا در جهان یک قطبی امروز نیز استراتژی سیاسی - نظامی کابرا ل کاربرد دارد. این استراتژیها در جنوب آفریقا و علیه نیروهایی که از جانب امپریالیستها حمایت می شدند، به کار برده شد و موفقیتهای قابل ملاحظه ای را نیز به همراه داشت. در حالی که اتحاد شوروی دیگر به عنوان عامل در آینده نهضتهای سوسیالیستی در آفریقا عمل نمی کند، شرایط کار و زیست در قرن بیست و یکم احتمالاً به درجه ای سقوط خواهد کرد که خود الهام بخش و به میزان زیادی تسهیل کننده قیامهای سوسیالیستی علیه رژیمهای نو استعماری در این قاره خواهد بود. به این دلیل است که می توان گفت که امیلکار کابرا ل بیش از پیش به آینده آفریقا تعلق دارد.

با گرامی داشت یاد تمام
کمونیستهای انقلابی ایران
در قونی که گذشت

یاد رزمنده کمونیست
حیدر عمواغلی
گرامی باد

— قال یاف
حیدر افشار (عمواغلو) در آذر ماه سال ۱۳۵۹ در شهر ارومیه در یک خانواده تحصیل کرده متولد شد. بعد از اتمام دوران ابتدایی توسط خانواده اش برای ادامه تحصیل به باکو و تغیس فرستاده شد. با آغاز انقلاب مشروطه حیدر به ایران برگشت و در اعتراضات مردمی شرکت فعال نمود. حیدر عمواغلو در مسائل نظامی تبحر خاصی داشت و از جمله افرادی بود که در تاسیس کارخانه ساخت سلاح و مهمات و تعمیر آنها از نزدیک شرکت داشت.

بعد از شکست انقلاب مشروطه حیدر و خانواده اش تحت تعقیب ارتجاع قرار گرفته و بالاجبار به قفقاز مهاجرت می کنند.

حیدر عمواغلو در شهر باکو تحت تأثیر بلشویکهای روسیه قرار گرفته و برای پیگیری حرکتهای انقلابی به شهر مشهد باز می گردد ولی چون در آنجا تحت تعقیب قرار می گیرد و به تهران می رود. در تهران همزمان با کار در اداره برق و راه سازی اقدام به تاسیس حوزة های مخفی سوسیال - دموکراسی می کند و باز هم زیر فشار و تحت تعقیب قرار گرفته و برای چندمین بار عازم شهرهای قفقاز و اروپایی می گردد.

در سال ۱۳۹۶ با تاسیس فرقه عدالت به دبیر اول آن انتخاب می شود و در سال ۱۳۹۸ در شهر لنینگراد روسیه در سومین کنفرانس بین المللی به عنوان نماینده ایران شرکت کرده و به عضویت هیأت اجرایی کمینترن انتخاب می شود. در سال ۱۳۹۹ برای شرکت در انقلاب گیلان و جنبش جنگل به ایران می آید و در انقلاب جنگل خدمات ارزنده ای ارائه می نماید. سرانجام در سال ۱۳۰۰ امپریالیزم انگلیس توسط ارتجاع داخلی وی را به شهادت می رساند.

وحدت ناپذیر

— منوچهر مرعشی

رشد تضادهای درونی رژیم به دلیل ماهیت قرون وسطایی، سرکوبگر و غارتگر آن از همان فردای به قدرت رسیدن خمینی تا امروز و فردا در یک سیر صعودی قرار داشته و دارد.

چنان که امروز در وحشت از انفجار خشم مردم و انقلابی دوباره و ترس از نیروی انقلابی سازمان یافته، از بالا تا پایین رژیم از رادیو و تلویزیون، مطبوعات و منبر و مسجد و بازار... اندر بساب ضرورت و محسنات وحدت هر یک به زبانی داد سخن می دهند و یاد جنایتکار پلید خمینی شیاد را خاطر نشان می کنند و بدین ترتیب ضمن بروز ترس و زبونی خود خواستار اتحاد عمل یعنی تیغ کشی و چماق کشی و سرکوب و جنایت و غارت باز هم بیشتر می شوند.

روزنامه جمهوری اسلامی ۱۷ مهر در سرمقاله خود تحت عنوان اکنون وقت عمل است می نویسد: ... در باره لزوم وحدت کلمه به اندازه کافی سخن گفته شده است. قطعاً همه کسانی که با مسائل جامعه سر و کار دارند این واقعیت را دریافته اند که رویارویی جناحها و فعالان سیاسی به نقطه خطرناکی رسیده است. چاره کار، اقدامات عملی جدی و فوری است... اصلی ترین نکته اینست که جماعت روحانی به جان همدیگر افتاده اند... عنصر دیگری که در شکل گیری این خطر سهیم است ورود دشمن به صحنه است... و این جریانها با هدف براندازی به صحنه آمده اند و به چیزی کمتر از آن راضی نخواهند شد... همه باید این واقعیت تلخ را درک کنند که سیل راه افتاده است امروز شاید جلوی این سیل را بتوان با بیل گرفت ولی فردا با بیل هم نمی توان آن را مهار کرد...

در همین چند جمله از روزنامه ای که بیان کننده نظرات جناح غالب رژیم است دردهای بی درمان این پدیده ضد تاریخی ولایت فقیه در بسیاری زمینه ها از جمله تضادهای درونی و وحدت گویا است.

اشاره ای به سابقه تاریخی

خمینی به مثابه سمبل و نماینده قشری که متعلق به گذشته (خرده بورژوازی سنتی) بود، قشری که ارتجاعی ترین، عقب مانده ترین و ناآگاه ترین قشر جامعه ما بود (جامعه ای که به دلیل دیکتاتوری وابسته سلطنتی تحول طبیعی خود را طی نکرده بود)، در بیست سال پیش در یک شرایط استثنایی داخلی و بین المللی به قدرت رسید.

ماهیت انحصارطلب و قدرت طلب او، اندیشه تاریک او و دشمنی اش با هر چه مظهر ترقی و رشد بود... همه چیز و همه کس را تابع مطلق خویش می خواست و آنجا هم که از «وحدت کلمه» حرف می زد مطمئناً نه درکی دقیق و عمیق از وحدت داشت و نه اعتقادی به آن، بلکه منظورش اطاعت محض و کورکورانه از او و خواسته ها و برنامه

های ارتجاعی و ضد مردمی بود. این نه تنها از خصوصیات خمینی به مثابه سمبل این قشر بلکه همه افراد و جریانات ضد تاریخی هم سلک و مسلکش بوده و هست به همین دلیل این باند هزار پاره که دو دهه چون گرازان وحشی سرزمین ما را در همه زمینه ها به ویزانی و نابودی کشیده اند از ریز و درشت هر کدام چون جانوری وحشی و درنده جز دریدن و خوردن دیگران نمی اندیشد و عمل نمی کند. همچنین امروز هم ما شاهد آن در همه جا از بالاترین سطوح رژیم تا پایین ترین آنها در همه شهرها و روستاها و همه جای این سرزمین هستیم. و اینها کمتر از اطاعت و بندگی و زبونی را از طرف مقابل نمی خواهند. خمینی چند ماه پس از به قدرت رسیدن دولتی که خودش آن را «دولت امام زمان» (دولت بازگازان) می خواند با یک شعبده بازی (گروگان گیری سفارت آمریکا) ضد امپریالیستی، کنار گذاشت و نتوانست در همان حد وحدت را تحمل کند. چندی بعد بنی صدر «پسر خوانده» خودش را که از نویسندگان و حامیان ولایت فقیه و ابداع کننده کلمه «مناقضین» و همکار نزدیک خمینی در پاریس، بود را نتوانست تحمل کند.

منتظری که می گویند حاصل عمر خمینی بود و جانشین و ولیعهد او بود را به دلیل اعتراض مصلحت آمیز به عملکرد خمینی در رابطه با قتل عام زندانیان سیاسی (سال ۶۷) مورد غضب قرار داد و برکنار کرد و تا زیر تیغ برد. قطب زاده معروف به «طومار زاده» که خمینی زوری در حمایت از او طوماری جمع کرده بود بعداً به جوخه اعدام سپرده شد.

این سریال حذف، توطئه و جنایت با سناریوهای مختلف و بازیگران مختلف همچنان تا امروز ادامه دارد. صد البته وضعیت فعلی جامعه در همه زمینه ها سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی با ۲۰ سال پیش بسیار متفاوت است و از جمله در همین زمینه وحدت مورد نظر رژیم یکسره سابق که خمینی سرش بود اکنون در بالا حداقل «سه سر» و در پایین «هزار سر» نامبارک و پلید دارد.

با توجه به ماهیت و ساخت و بافت طبقاتی و اندیشه عقب مانده این جریان ضد انسانی، آنچه هرگز برای آنها دست یافتنی نیست وحدت است. چون آن چه در اندیشه و عمل اینان اصل است تضاد و تفرقه و دوگانگی و دشمنی و کینه و... می باشد. این همان چیزی است که به آن فرهنگ آخوندی گفته می شود. اما به راستی در سرکوب و غارت مردم و شیادی و عوامفریبی این «هزار سر» وحدت کامل دارند. به همین دلیل هم در انتها دست به این سلاحها می برند.

اما آنچه در تاریخ ملتها نیز ثبت شده اینست که با سرکوب و غارت و دجالگری شاید بتوان چند صباحی حکم راند و اما در نقطه ای کاربرد این سلاحها به پایان می رسد و از آنجا نقطه انفجار آغاز می شود.

در جامعه ای با تاریخ و فرهنگ مبارزاتی مثل جامعه ایران و به خصوص

نکاتی در باره قیام پنج روزه دانشجویان و مردم ایران

— فرید فتحعلیان

۱- اعتراض در ایران می تواند به هر بهانه ای و بدون هیچ حد و مرزی صورت گیرد. از تقابل مردم حاشیه نشین شهر با مأموران شهرداری تا اعتراض به تعطیلی روزنامه های متعلق به جناحی از رژیم، از مرگ یک دستفروش تا مرگ دسته جمعی عده ای نوجوان در تصادف رانندگی، از اعتراض به تصویب قانونی ضد آزادی در مجلس تا کتک خوردن و شکنجه شدن چند جوان محله توسط بسیج رژیم.

۲- آغاز هر اعتراضی هر چند کاملاً غیر سیاسی باشد با سرعت و به نحو باورنکردنی مضمون سیاسی و خصلت براندازی پیدا خواهد کرد.

۳- از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی بر پایه و اساس ایدئولوژیکی ساختار قهر و خشونت تمام عیار بنیان گذاری شده، هر اعتراضی با هر گستره و ماهیتی از طرف رژیم به شدت سرکوب و به خشونت کشیده خواهد شد.

۴- بخش معترض جامعه در برابر خشونت بی حد و حصر و تمام عیار رژیم به سرعت واکنش تلافی از خود نشان

در این مقطع تاریخی که جامعه ما به آن نقطه ای رسیده است که از خود دارای مقاومتی سازمان یافته، انقلابی، هوشیار، زنده و حی و حاضر می باشد، وحدت، حاکمان جنایتکار ایران را بر سر غارت و سرکوب مردم ایران در هم خواهد شکست.

اوج گیری مجدد تضادهای درونی رژیم، به بهانه درج مطلبی در یک نشریه دانشجویی (موج) و به دنبال آن روضه وحدت خواندن خامنه ای بر سر قبر خمینی جنایتکار نه تنها از تضادها نکاست بلکه بلافاصله همین سخنرانی بهانه ای برای طرح مجدد تضادهای درونی شد. روضه وحدت خواندن کجا و واقعیتهای خارج از ذهن کجا، آنچه واقعیت دارد و ناشی از ماهیت و عملکرد ۲۰ ساله دیکتاتوری مذهبی است، سیر صعودی و پایان ناپذیر تضادها و درگیریهای درونی آن است. به ویژه در شرایط فعلی که رژیم از هر نظر ضعیف تر از قبل قرار دارد و خرده بورژوازی سنتی سابق با یک چرخش سرکجه آور و تهوع آور قصد کرده برای نجات خود از غرق شدن به دامن نکبت بار سرمایه داری جهانی پناه ببرد. البته با حفظ ظاهر

ارتجاعی و اصطلاح مذهبی خویش و مقاومتی قدرتمند، مشروع در کمینش نشسته و از طرفی دیگر در محاصره بحرانیهای همه جانبه، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... قرار دارد. باید منتظر اوج گیری دوباره تضادها بود.

داده و بدین ترتیب واکنش مردم شکل قهرآمیز به خود می گیرد.

۵- عملیات مسلحانه ارتش آزادیبخش علیرغم تبلیغات و نظرات مخالف، حتی اگر در مبارزات توده ای مردم تأثیر مثبت نگذاشته باشد، به جرات می توان گفت هیچ نقش بازدارنده ای در اعتراضات جمعی مردم نداشته است. در صحت این مدعا همین بس که به فاصله چند روز پس از حمله مجاهدین به پایگاههای سپاه و وزارت اطلاعات رژیم در اهواز و کرمانشاه و ذوقول، قیام دانشجویان و مردم با شدتی که برای دستداران مبارزه قانونی و مسالمت آمیز تعجب برانگیز بود، صورت پذیرفت.

۶- رژیم در شرایط بحران برای مردمی نشان دادن خود نیروهای هوادار را برای راهپیمایی بسیج می کند اما به مردم اجازه تظاهرات برای نشان دادن عدم مشروعیت رژیم را نمی دهد.

۷- حرکت نسبتاً کامل تمام اقدار جامعه به صورتی که در انقلاب ۵۷ صورت پذیرفت امکان پذیر نیست. درصد بسیار بالایی از نیروهای هوادار رژیم از آنجا که ۲۰ سال تمام هستی خود را روی این نظام سرمایه گذاری کرده و با تمامی امکان در خدمت رژیم و سیاستهای ضد مردمی و ضد بشری آن بوده و تعدادی از آنها دستشان به خون آلوده است، از روی کارآمدن نظام حساستر دیگری واهمه دارند. آنان تا آخرین لحظه، حتی پس از پیروزی انقلاب مردمی به جنگ با خلق ادامه می دهند.

۸- تمامی جناحهای رژیم علیرغم کل اختلافهایشان که عمیق، ریشه ای و ایدئولوژیکی است، هنگام بروز بحران یکپارچه شده و در برابر سقوط نظام موضع گیری می کنند.

۹- نیروهای رده پایین جناح موسوم به چپ اگر ذره ای صداقت در اندیشه هایشان باشد به محض مشاهده یکپارچگی سران جناحهای مختلف برای سرکوب و کشتار مردم از این جناح بریده و به سمت خلق گرایش پیدا می کنند.

۱۰- در اعتراضات مردمی، نقش نیروهای ملی و گروههای مختلف و مستقل دانشجویی انکارناپذیر است. همچنین که پراکندگی مواضع نیروهای مختلف اپوزیسیون داخل و خارج کشور نقش کند کننده خود را در ادامه سیستماتیک اعتراضات، تظاهرات، اعتراضات نشان می دهد.

۱۱- وحشی ترین و هارترین نیروهای نظام نام افراد و جریاناتی را که بیشترین تلاش جهت اتحاد عمل و همکاری و هماهنگی نیروهای اپوزیسیون داخل و خارج از کشور را دارند در صدر لیست ترور خود قرار داده و از آنهایی که به اختلافهای بین سازمانها و اشخاص دامن زده، صفحات روزنامه های خود را به جای افشای رژیم و مبارزه اندیشه و نظرات پیش برنده، مبدل به تهمت و فحش و ناسزا و پریشان کردن افکار، هز و هدر دادن هزینه، نیرو و وقت تلف می کنند، غیر مستقیم حمایت و به آن جایزه می دهند.

در گوشه و کنار جهان —

تایید حکم اعدام اوجالان

دائره تعیین نظر ترکیه در تاریخ ۲۵ نوامبر حکم اعدام عبدالله اوج الان را که از سوی یک دادگاه امنیتی این کشور صادر شده بود را تایید کرد بنا بر قوانین اتحادیه اروپا مبنی بر لغو مجازات اعدام و در استثنای تقاضای عضویت در اتحادیه اروپا از سوی ترکیه. این کشور تعهد کرده است که احکام دادگاه حقوق بشر اروپا را بپذیرد. نیازی بولدان یکی از چهار رئیس مدافع اوج الان گفت: برای کاهش مجازات و لغو حکم اعدام اقداماتی در نزد دادگاه حقوق بشر اروپا انجام داده اند و هنوز در این مورد حکم نهایی صادر نشده است.

در همین رابطه سخنان دبیر رئیس جمهور ترکیه به خبرنگاران گفت: هنوز بر احراز قریب درخواست تصحیح حکم در دادگاه حقوق بشر اروپا طی نشده است. در این طی روند حقوقی یاد شده: محسوس این کشور آخرین حرف را برای اعدام یا کاهش مجازات خواهد زد. به گزارش آنتاوا (خبرگزاری رسمی ترکیه) از استراسبورگ. شورای اروپا نیز طی اعلامیه ای اعلام کرد. اجرای حکم اعدام اوج الان برای شورای اروپا قابل قبول نیست.

ولفگانگ شولس وزیر امور خارجه و معاون صدر اعظم ترکیه در واکنش به تایید حکم اعدام اوج الان گفت: من برای چندمین بار اعلام می کنم که مخالف حکم اعدام هستم. من مطمئنم که ترکیه به حساسیت اتحادیه اروپا در قبال این مسئله آگاهی دارد. همچنین دادگاه حقوق بشر اروپا در نشست عصر سه شنبه ۳۰ نوامبر طی حکمی از دولت آنکارا خواست تا اعلام نتیجه قطعی این دادگاه از اجرای حکم خودداری کند.

در همین تاریخ سامی سلجوق رئیس دیوان قضایی ترکیه گفت کشورش ملزم به رعایت تصمیمات دادگاه حقوق بشر اروپا است.

تظاهرات ضد فقر و بی خانمانی

در مقابل مجلس کانادا

به گزارش تلویزیون سی بی سی، بی خانمانهای کانادا، درخواست خود برای مسکن مناسب را، روز چهارشنبه ۱۷ نوامبر به مقابل ساختمان دولت و مجلس کشاندند. تظاهرکنندگان که از شهرهای مختلف تورنتو، مونترال، کینگستون و منطقه بومی نشین موهاک به اوتاوا آمده بودند، خواستار گفتگو با ژان کرتین نخست وزیر کانادا بودند و هنگامی که این خواسته تحقق نیافت. قصد داشتند نرده های فلزی را که توسط پلیس سواره سلطنتی کانادا در محل نصب شده بود از جا درآورند. در همین حال آنان شروع به پرتاب سنگ و قوطی به سوی پلیس اتاوا کردند و پلیس برای اولین بار در مقابل پارلمان مبادرت به پرتاب گاز فلفل به سوی افراد کرد که دست کم یک

پلیس و یک تظاهرکننده مجروح و یک نفر دستگیر شد.

تظاهرکنندگان از دولت می خواهند که بودجه بیشتری را برای برنامه های اجتماعی و ساخت مسکن اختصاص دهد. آنها اعتقاد دارند که سالها کاهش بودجه توسط دولت فدرال، مردم را به سوی فقر سوق داده است.

اعتراض مردم ترکیه به اقدامهای

صندوق بین المللی پول

روزنامه ایران در شماره ۱۴ آذر ماه خود می نویسد: هزاران تن از کارکنان دولت ترکیه در آنکارا در اعتراض به سیاستهای اقتصادی بولنت اچوییت و کمی حقوقها در میدان بزرگ قزل آی این شهر اجتماع کرده و علیه دولت شعار دادند کارکنان با رد افزایش ۱۵ درصد حقوقها در نیمه دوم سال آینده میلادی. خواهان افزایش دست کم ۵۰ درصد حقوقها شدند. تظاهرکنندگان تهدید کردند در صورت عدم تحقق خواسته هایشان در سراسر کشور اعتصاب خواهند کرد.

اعتصاب در اسپانیا

به گزارش خبرگزاری کارگران و کارکنان شرکت راه آهن اسپانیا روز جمعه ۳ دسامبر یک اعتصاب ۲۴ ساعته را در این کشور آغاز کردند. اعتصاب کنندگان که بیش از ۳۵ هزار تن هستند خواهان کاهش ساعات کار هفتگی و افزایش حقوق به میزان ۱۰ تا ۱۲ درصد برای سال آینده شده اند.

راهپیمایی ضد دولتی کارگران

در کره جنوبی

به گزارش خبرگزاری فرانسه به رغم هشدارهای جدی کیم دای جونگ رئیس جمهور کره جنوبی، مبنی بر ممانعت از حرکت اعتراضی کارگران، روز سه شنبه ۱۶ نوامبر هزاران تن از کارگران کره جنوبی، ضمن راهپیمایی اعتراض آمیز با پلیس این کشور درگیر شدند. این تظاهرات که در برابر دفتر حزب حاکم کره جنوبی در ۱۶ شهر این کشور و توسط دهها هزار تن از اعضای فدراسیون اتحادیه کارگری کره، بزرگترین اتحادیه کارگری این کشور برگزار شد با دخالت پلیس به آشوب کشیده شد. این فدراسیون که بیش از ۱/۳ میلیون هوادار دارد اعلام کرد راهپیمایی روز گذشته تنها با پیش درآمدی است بر برنامه وسیع این اتحادیه که قرار است با ۴ ساعت وقفه در کار در روز ۱۷ دسامبر ادامه یابد. در بیانیه ای که فدراسیون مذکور منتشر کرد، آمده است: تاکنون ۱۳۵ هزار و ۲۵۰ عضو این اتحادیه در ۷۲۱ محل کار، متعمد شده اند که در اعتصاب آخر هفته شرکت کنند و ما مطمئنا تا به آخر ایستاده ایم. کارگران خواستار کاهش ساعت کار به ۴۰ ساعت در هفته هستند که این خود منجر به ایجاد شغلهای جدید خواهد شد.

ایتالیا —

برنامه تلویزیونی در باره

«حکم اعدام»

چهارشنبه ۲ دسامبر در کانال ۵ تلویزیون سراسری ایتالیا برنامه ای تحت عنوان حکم اعدام پخش شد. در این برنامه تعدادی از شخصیتهای سیاسی و حقوق بشری شرکت داشتند. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نیز به این برنامه دعوت شده بود. رفیق مهرداد قادری مسئول روابط بین المللی سازمان در این برنامه شرکت داشت.

در این برنامه که در چارچوب (TALK - SHOW) مائوریو کوستانزو که از پر بیننده ترین برنامه های تلویزیون ایتالیا است. شهردار رم آقای روتلی، معاون کمیسیون خارجی پارلمان ایتالیا، نماینده عفو بین الملل، مسئولان مجمع سانتوجیویو، روزنامه نگار مشهور ایتالیا آقای جانی مینا و نماینده پ. ک. که در ایتالیا و رفیق قادری شرکت داشتند. در بخشی از برنامه سفیر ایتالیا در سازمان ملل متحد با تماس تلفنی در این برنامه شرکت کرد.

در ابتدا آقای کوستانزو مجری برنامه گفت که این شاید اولین و تنها برنامه با این محتوا باشد و به دنبال آن به معرفی شرکت کنندگان پرداخت. شهردار رم آقای روتلی، ابتکار شهرداری رم در مورد حکم اعدام را توضیح داد. طی این ابتکار مقرر تاریخی کولوسئو هر باز که حکم اعدامی لغو شود با چراغهای طلایی روشن خواهند شد. سفیر ایتالیا در سازمان ملل در تماس تلفنی خود از نیویورک در مورد به رای نگذاشته شدن لغو حکم اعدام در اجلاس اخیر سازمان ملل بسیار احساس نگرانی کرد و گفت: برای یک دیپلمات بسیار سنگین است که به چنین شکستی اعتراف کند و ما کماکان به دنبال راهمان خواهیم بود.

آقای جانی مینا روزنامه نگار مرقی به این مسئله پرداخت که حکم اعدام رابطه ای تنگاتنگ با فقر دارد. وی با اشاره به حوادث سیاتل در آمریکا سازمان تجارت جهانی یکی از مسئولان وجود حکم اعدام در شرایط کنونی دانست.

معاون کمیسیون خارجی پارلمان ایتالیا در سخنانش ابتدا به شرم آور بودن سیاست اروپا و ایتالیا در مورد حکم اعدام اشاره کرد و گفت: ما خود از پایه گذاران دادگاه جهانی برای محاکمه جنایتکاران علیه انسانیت می باشیم و همه متحدا علیه حکم اعدام در این دادگاه بودیم. امروز علیه جنایاتی چون هیتلر هم اگر محاکمه شوند نمی توانیم حکم اعدام را اجرا کنیم ولی همان دولتهایی که این موضع را داشتند خود خواهان حکم اعدام در داخل ممالکشان هستند. این اگر دیوانگی نیست چیست؟

رفیق مهرداد قادری در پاسخ به این سؤال مجری برنامه که پرسید شرایط حکم اعدام در ایران چگونه است به طور مشروح پاسخ داد و گفت: قبل از هر چیز باید این توضیح را بدهم که حکم اعدام در ایران و کشورهای مشابه آن جنبه صد در صد سیاسی دارد. وسیله و ابزار مدیریت سیاسی می باشد و از طرف هیأت حاکمه علیه مخالفان سیاسی به کار گرفته می شود.

در ایران دادگاه و کیفر خواست آنچنان که بینندگان عزیز و میهمان این استودیو با آن آشنا هستند موجود نیست به عنوان مثال یک ایرانی دربند امکان این که از حضور وکلای غیر ایرانی در محاکمه اش استفاده نکند را ندارد. ما در ایران از سال ۱۹۸۴ تاکنون بیش از صد هزار اعدامی و ناپدید شده داشته ایم. در بین اینها کودکان ۱۴ ساله و زنان آستان وجود داشته اند. اینها بدون محاکمه به جوخه های اعدام سپرده شده اند. در این جا مجری برنامه با مکث و تکرار صد هزار اعدامی گفت. از حضار در سالن و بینندگان خواهش می کنم به این رقم توجه کنند و به خاطر بسیارند. در ادامه رفیق قادری گفت: اما فجع ترین مرگ حتما سنگسار می باشد و این اغلب در مورد زنان به کار گرفته می شود و مسأله از همه مهمتر این است که به گفته هیأت حاکمه ایران و منابع حقوق بشری از زمانی که خاتمی رئیس جمهور شد. یعنی از سال ۱۹۹۷ تاکنون تحت حاکمیت او بیش از ۵۰۰ اعدام و سنگسار داشته ایم. این جدا از کاروانی از نویسندگان و روشنفکران ایرانی که در این دو سال به قتل رسیده و جسدشان در گوشه و کنار جاده ها پیدا شده است. می باشد. مجری برنامه در این قسمت رو به رفیق قادری گفت: این نیز به درستی خود حکم اعدام محسوب می شود و این بسیار عجیب است. فکر کنید که ما تا تهران دو ساعت بیشتر فاصله نداریم و می شود رفت و آن جا را دید. در پاسخ ایشان رفیق قادر گفت: متأسفانه نمی شود رفت و دید چرا که به دنبال درخواست پیاپی مقاومت ایران تاکنون رژیم ایران حضور یک هیأت بین المللی را تقبل نکرده است.

در این برنامه مادر یک زندانی آمریکایی نیز که به اعدام محکوم شده شرکت داشت و به توضیح شرایط حکم اعدام در آمریکا پرداخت که مورد توجه قرار گرفت.

نماینده پ. ک. که در ایتالیا نیز در سخنان کوتاهی به روند حکم اعدام آقای عبدالله اوجالان اشاره کرد و گفت تا زمانی که حکم اعدام در ترکیه علیه فعالان سیاسی کردها برقرار است اروپا از ورود ترکیه در جامعه اروپا نباید جلوگیری کند.

یکی از جوانب بسیار تکان دهنده برنامه شروع برنامه بود که با نمایش صحنه های اعدام در کشورهای مختلف از جمله ایران به خوبی چگونگی توحش حکومتی این کشورها را بیان می کرد.

خاطراتی از زندان

(۷)

— الف . کوهبان

یادی از شهادت رفیق جزنی و یاران او پس از طی چند سالز وارد سالی شدم که زندانیان دیگری هم در آنجا بودند. پس از چند دقیقه مرا از آن سالن به یک اتاق کوچک منتقل کرده و روی یک نیمکت نشاندهند. در حدود ۱۰ الی ۱۵ دقیقه آنجا بودم تا این که صدای منحوس صابر شکنجه گسر را شنیدم که مغرورانه مطالبی را در شکستن روحیه در این دو هفته به کار می برد.

این خوک کثیف با همکاری مزدور دیگری به جان من افتادند و مرا زیر ضربات مشت و لگد قرار دادند. کار به جایی رسید که من دیگر تاب نفس کشیدن نداشتم و از حال رفتم. نمی دانم چه مدت در اینجا بودم و از کجا به کجا منتقل شدم. فقط خودم را روی یک تخت بیمارستان یافتم که پاهایم به تخت بسته شده بود ولی از کیسه سر و چشم بند خبری نبود. بی اختیار از من خون به جای انداز جاری بود و پیوسته سرگیجه داشتم و بالا می آوردم.

دقیقا خبر ندارم چه مدت در بیمارستان بودم تا این که شخصی به نام بهزاد به همراه فردی به نام حمید داخل شدند و با من از در مهربانی شروع به صحبت کردند که تو چرا زندگی خودت و خانواده ات را به خطر می اندازی ما تو را خوب می شناسیم. حمید از بچه های محل توست و تو را خوب می شناسند تو چرا با این گروه های کافر همکاری کردی. وقتی خوب دقت در چهره دوستش کردم متوجه شدم که او را می شناسم. او فرد مزدوری بود که سالها در امر قاچاق مواد مخدر و دزدی و تجاوز به ناموس و حقوق مردم در جوادیه از نوجوانی معروف بود.

حمید معروف به حمید روغنی که در قاچاقچی گری مواد مخدر و آدم کشی مهارت داشت پس از قیام ۲۲ بهمن یک تعویض روغنی باز کرد و به عنوان پاسدار جمهوری اسلامی در کمیته محل برای خودش بر و بیایی داشت و از موقعیت پاسدار بودنش برای فروش اسلحه و مواد مخدر در دکانش استفاده می کرد. او یکی از افراد گروه تروریستی (ناس) بود که به خانه های هواداران نیروی انقلابی حمله می کردند و خانه آنان را چپاول کرده و یا کسی را با خود می بردند و بعد از چند روز جسد بی جان آن شخص در گوشه ای از کناره های تهران پیدا می شد. البته تمام این مطالب را او هنگام مصاحبه اش برای آزادی در حسینیه اوین به زبان آورد.

بهزاد مصراغه از من می خواست که دست از سماجت بردارم و آدرس رادیو و انبارک مهمات سازمان را به او بدهم. تازه متوجه شدم که آنها برای بازجویی نزد من آمده اند. در حالی که حال درستی نداشتم پرسیدم شماها بازجو هستید یا دکتر و کارمند بیمارستان. در جواب گفت نه ما هم مثل خودت زندانی هستیم ولی چون آزادی به جمهوری اسلامی نمی رسانیم ما را کمی آزاد می گذارند که در کارهای ارشادی با زندانیان برخورد ارشادی کرده باشیم. در آن لحظه با تمام وجودم از آنها بیش از تنفری که نسبت به شکنجه گران داشتم، متنفر شدم و در آن لحظه بود که بالا آوردم. حمید روغنی مزدور در تایید حرف بهزاد (که بعدها فهمیدم او بهزاد نظامی می باشد) گفت. بهزاد را حاج داوود و حاج اسدالله خیلی دوست دارند. حاجی (منظورش لاجوردی جلال) خودش شخصا به بهزاد حق تعزیر کردن و حمل دستبند داده است. من می دانم تو پسر خوبی هستی راجع به تو تعریف کردم که تو آدم سالم و ورزشکار در محل بودی و از او خواسته ام که به تو کمک کند. در حالی که منم داشتم خون بالا می آوردم اظهار بی اطلاعی کردم و آنها را به هیپالکیمیای خودشان ارجاع

دادم و گفتم من کاره ای نبودم، در این موارد فقط علی اسحاق شاید خبر داشته باشد نه هوادارانی نظیر من. دقیقا نمی دانم چه بحثهایی رد و بدل شد فقط یادم است که سرم گیج رفت و از حال رفتم. وقتی به هوش آمدم خود را در سلولی یافتم که درازکش خوابیده بودم و از بیمارستان و چشم بند و کیسه سر خبری نبود. یک قوطی خالی شیر خشک و یک کاسه پلاستیکی قرمز و یک لیوان پلاستیکی قرمز دسته دار و یک قاشق رویی شکسته بالای سرم بود درست در نقطه مقابل دو پتوی جمع شده و مرتب به همراه کاسه لیوان مشابه قرار داشت. به خود لرزیدم که نکند این جایان مرا با آن مزدوران هم سلول کرده اند چرا که وقتی دستگیر نشده بودم در این مورد داستانهایی مختلفی از درون زندان شنیده بودم. با خود فکر می کردم من چگونه می توانم زمان را با اینسان سپری کنم. دقیقا نمی دانم چقدر از زمان را من خیره خیره و با تنفر به این پتوها و کاسه و لیوان سپری کردم. با هر نگاهم به آنها همواره انگار با آنها بحث می کردم. گاهی در ذهنم با آنها گلاویز می شدم. تا این که صدای باز شدن چفت آهنی در مرا به خود آورد و اتوماتیک به سمت درب با اضطراب و کنجکاو نگاه کردم. فردی به داخل آمد. من که انتظار مزدورانی مثل بهزاد نظامی و حمید روغنی را می کشیدم بر خلاف تصورم آشنایی را دیدم با قامتی خمیده و چهره ای پریده و مریض احوال که در زمان انشعاب به اکثریت پیوسته بود. وارد سلول شد. ابتدا فکر کردم شاید اشتباه می کنم وقتی دقیق شدم . انوش را شناختم. ولی از آنجایی که من یارای حرکت نداشتم با تردید و تعجب به او سلام کردم. او بی اعتنا داخل شد و به سراغ پتوهایش رفته آنها را پهن کرد و روی آن نشست. شاید بیست دقیقه ای فضای سلول کاملا ساکت بود. حتی می شد صدای نفس کشیدن و گپ زندهای در پاسداران مزدور بند (زیر هشت) را حس کرد و شنید. فقط تنها صداهایی که گهگاه سکوت سلول را بر هم می زد صدای بوق ماشینهای در حال حرکت در میدان توپخانه و صدای پرندگان و مزدوران شکنجه گر بود که همگی از پنجره کوچکی که بالای سلول قرار گرفته بود به داخل نفوذ می کرد.

غرق در افکار خود بودم و به آینده و گذشته و این که چرا این سکوت مرگبار برقرار شده و آیا می توان به او به عنوان یک فرد اکثریتی اعتماد کرد. در همین لحظات بود که او توجه مرا به خود جلب کرد و با سر به نوعی جواب سلام مرا داد و ضمنا توجه مرا با اشاره دست به دیوار جلب کرد و با نوشتن مطالبی بر روی آن با انگشت. احتمال وجود میکروفون یا بی سیم را در آن حدس زد. اولین بار او را در محاکمه جلال رژیم شاه. تهرانیو آرش شکنجه گر، دیده بودم. به یاد آن دوران و اعتراضات تهرانی جلال در مورد چگونگی به شهادت رساندن فدایی کبیر رفیق بیژن جزنی و ۶ تن دیگر از یاران فدایی و ۲ مجاهد خلق افتادم. با خود به نوع شکنجه های دو سیستم فکر می کردم. تمام گفته های تهرانی جلال در را اعمال شکنجه گرانی مثل عباس. میثم. صابر. یاسر و غیره ... به عینه می دیدم. در همین افکار غوطه ور بودم که درپچه سلول از وسط درب آهنی باز شد که می شد فقط دهان و بینی و قسمت کمی از چانه او را دید. آن مزدور فریاد زد: اکبر حسینی، حاضر شو چشم بند بزنی بیا بیرون. لحظه ای بعد درب سلول کاملا باز شد و او بیرون رفت. بسیار متعجب شده بودم چرا که از خودم اطمینان داشتم که اکبر حسینی نیستم ولی در مورد او هم مطمئن بودم که نامش اکبر حسینی نیست. با خود در این فکر بودم که شاید هنوز اسم اصلی خود را نداده است و بهتر است که هیچگونه آشنایی با او را مطرح نکنم تا ببینم بعد چه پیش می آید. حدودا بعد از یک ساعت او به سلول برگشت و بی هیچ کلامی به زیر پتوی سربازی اش رفت و آن را بر سر کشید و خوابید. فقط گهگاهی می شنیدم که آهسته آهسته ولی بی صدا در حال گریه است و انگار از چیزی رنج می برد. ادامه دارد

کبوتر آبی کبوتر

اسماعیل وفا یغمایی

کبوتر آبی کبوتر آبی کبوتر
بزن تو آسمون شهر ما پر
بده مزده که از کود دماوند
داره خورشید مردم می زنه سر

کبوتر باز به دست مردم ما
داره روشن می شه یک یک چراغا
داره آواز می خونه صبح روشن
داره گل می شکفته تو کوچه باغا

کبوتر جان. افتخا پر غباره
پس از اون هی سوار بعد از سواره
نه یک تن نه دو صد تن. نه هزار تن
که این لشکر هزار اندر هزاره

کبوتر میرسن از ره چو دریا
پس از طی کردن صد کوه و دریا
اگه گفتی کجا جان کبوتر
تا آغوش بزرگ مردم ما
کبوتر آبی کبوتر آبی کبوتر
بزن تو آسمون شهر ما پر

با احترام به همه مبارزانی که در راه آزادی، جان باختند

آینه

— شهلا جندقیان

شبم صبحگاهی می چکد بر گلوی شب رفته
پرهایت را گشودی و لبخند زدی
شبم را بوسیدی و به دنبال شب رفتی
پرنده ای بودی بی آزار، پاک بودی. با چشمانی باز و
پهنانور
شب تاریک بود و تو همه چیز را دیدی.
همان گونه که در پی شب روان بودی
شب تیره بود و کسی تو را ندید.
تنها به دنبال صبح می گشتی
تو کی بالت را گشودی که من ندانستم.
من در چشمان تو پرواز را آموختم
جاری شدن را و رهایی را.
و شکسته شدن بالها را نیز
به خاطر صبح. به خاطر شور و به خاطر فرزندم آزادی
بر روی صخره ای نشسته ام و به سوی تو می نگرم
فرزندم را در آغوش می فشارم
همه جا به رنگ خاک است. بوی خاک
خوب می اندیشم. چشمهایم را خوب می گشایم
تنها پرنده می داند چرا گونه های من جاریست
من در این سوی تنها
و تو بی پروا

ژوئیه ۹۹

قاصد عشق

— مرادخان

با من منشین چند بگو صحبت آن راز
آن راز تو از هجر رفیقان
بندی شده در خانه دیوان
بر دار نشستند
با من بنشین تا که بگویم که رفیقان
خود وصل بچسبند
آن وصل بود. وصل نه هجران
آن دار نه دارست که دهد صحبت هجران
آن دار همان قاصد عشق است
عشقی که کند زمزمه فقر عزیزان

انتشارات نبرد خلق و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

- ۱- تداوم (گفتگوی علی ناظر با مهدی سامع)
- ۲- جنبش پیشتر فدایی در آستانه قرن بیست و یکم (سخنرانی مهدی سامع در آمریکا و کانادا)
- ۳- تاریخ سی ساله سیاسی اثر بیژن جزئی
- ۴- چگونه مبارزه مسلحانه توده ای می شود اثر بیژن جزئی
- ۵- ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء اثر امیر پرویز پویان
- ۶- سرنگونی رژیم و ضرورت «دولت موقت» از مهدی سامع
- دموکراسی شرط اساسی انتقال قدرت به مردم
- طرحهای شورای ملی مقاومت
- پیرامون تبعیض جنسی، مذهبی و ملی
- ۷- سنگر مقدم: لنینیسم از منصور امان
- ۸- بیانیه اعلام برنامه (هویت) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۹- منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۱۰- بحران در جنبش کمونیستی ایران، راه حل برون رفت از آن و نقش ما
- چه کسی بر سر دوراهی قرار گرفته است - برای ثبت در تاریخ، از مهدی سامع
- ۱۱- مجموعه مقالات از منصور امان
- ۱۲- زنان ایران در مبارزه برای برابری جنسی از زینت میرهاشمی
- ۱۳- سوسیالیسم و سندیکاها
- سوسیالیسم از عهد مارکس به بعد و جنبش بین المللی سندیکاها
- نویسنده: ماکس آدلر، مترجم: کریم قسیم

از میان نامه ها مشکلات متقاضیان پناهندگی در اتریش

(این نامه خلاصه شده است)
..... پناهجویانی که در اتریش اعلام پناهندگی می کنند با مشکلات بسیاری روبرو می شوند. به طور مثال از همان ابتدا از دریافت اقامت برای ماندن محروم می شوند. با عدم دریافت ویزای اقامت، از کمکهای پزشکی، اجازه کار، کرایه خانه، هزینه خوراک بی بهره می مانند. شاید کمی غیر قابل باور باشد ولی به عنوان مثال کسانی هستند که حدود هشت سال در اتریش در همین وضعیت زندگی می کنند و از هرگونه کمک از دولت اتریش و سازمانهای حقوق بشری محروم هستند. حال باید پرسید چگونه می شود در کشوری زنده ماند بدون اجازه کار و اقامت؟ اشخاصی که در اتریش هستند که شب را در خیابان به صبح می رسانند و برای زنده ماندن طبیعی است که دست به هر کاری بزنند و به طور مسلم مسئول این وضع دولت اتریش است.

آیا این برخورد دولت اتریش به معنای آن نیست که سیاستهای خود را برای قراردادهای اقتصادی و نظامی در مورد ایران به کار می بندد تا خوش رقصیهای خود را به رژیم جمهوری اسلامی ایران نشان دهد که با مخالفان این رژیم در اتریش این گونه رفتار کند. در اتریش پناهجویان ایرانی به طرز غیر انسانی تحقیر شده و از حقوق یک انسان بی بهره هستند. در کشور اتریش زندانها پر از پناهجویان ایرانی است که از ایران تحت حاکمیت رژیم ضد بشری فرار کرده تا در یکی از کشورهای اروپایی حافظ صلح زندگی کنند و سر از زندان درآورده اند. تنها جرم این پناهجویان نیابردن سر تسلیم در مقابل ناعدالتهای جمهوری اسلامی در ایران بوده است. این پناهجویان کسانی بوده اند که خود را به پلیس اتریش معرفی کرده اند که به عنوان پناهنده پذیرفته شوند اما سر از زندان درآورده اند. در اتریش هر کسی تقاضای پناهندگی کند و جواب رد بگیرد باید خودش به فکر خودش باشد البته اگر او را زندانی نکنند! به امید روزی که بتوانیم همه با هم با یک مبارزه گسترده و مسلحانه انقلابی راههای سرنگونی این رژیم ضد بشری مذهبی را فراهم کنیم و به ایران عزیز برگردیم.
مهران رادپور - دسامبر ۹۹

پاسخ به نامه ها

- آقای رشادت از کانادا مطلب شما که برای صفحه دیدگاهها ارسال کرده بودید، دریافت شد و آن را در شماره آینده درج خواهیم کرد. از همکاری شما متشکریم.
- دوستان و مشترکین زیر حق اشتراک شما رسید: لیاقت ۲۵ گلدن، علی حاجی پور ۵۰ مارک، عبدالله زاده ۱۰ گلدن، پورسین ۳۰ مارک، اسدی ۲۰ دلار، مزاکردی ۳۰ مارک

- دوستان و مشترکین زیر نشریات شما برگشت خوردند است: صحری و افسری از آلمان
- آقای فریدفتحعلیان ۲ مطلب از شما دریافت شد که یکی از آنها در همین شماره چاپ شده و مطلب دیگر شما با عنوان «حکومیت نوری» یک بهانه برای بررسی اختلافات، در صورت امکان در شماره های آینده به چاپ خواهد رسید. از همکاری شما تشکر می کنیم.
- آقای قنبری ۲۰ مارک کمک مالی دریافت شد.

تصحیح و پوزش

در گزارش تظاهرات ضد راسیستی در اتریش، گزارشگر در مورد یکی از سخنرانان به اسم آقای ناصر علیزاده، گفته است که ایشان وابسته به شورای دفاع از مبارزات خلقهای ایران است. اطلاع یافتیم که این وابستگی اشتباه و ایشان به این جریان وابسته نیست. بدین وسیله پوزش می خواهیم.

NABARD - E - KHALGH

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Published by:

NABARD CULTURAL ASSOCIATION

No : 175 22. Decem . 1999

NABARD B.P 20 91350 Grigny Cedex FRANCE ***	NABARD Postbus 593 6700 AN Wageningen HOLLAND ***
NABARD P O Box 10400 London N7 7EX ENGLAND ***	NABARD Post fach 102901 50469 Köln GERMANY ***
NABARD P O Box : 3801 Chantilly, VA 20151 U.S.A ***	NABARD Casella Postale 37 65100 Pescara ITALIA ***

E.Meil:
nabard@club-internet.fr
nabard@hotmail.com
صفحه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
در روی شبکه اینترنت
http:// www.fadaian.org

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اضلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با اعضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بین کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است

برای تماس مستقیم با نبرد خلق و اشتراک آن، با آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX FRANCE

فرم اشتراک نبرد خلق

Name :

Address :

بهای اشتراک سالانه نبرد خلق

۷۵ فرانک فرانسه
۱۸ دلار آمریکا
۷ فرانک فرانسه
اروپا
آمریکا و کانادا
تک شماره

حساب بانکی سازمان

نام بانک : SOCIETE GENERAL
آدرس بانک : BOULOGNE - S - SEIN
FRANCE
کد گیشه : 03760
شماره حساب : 00050097851
نام صاحب حساب : Mme. Talat R.T

ارس

در شبکه جهانی اینترنت

<http://members.tripod.com/~ARAZ/index-1.html>

نبرد خلق را مطالعه کنید.

از اخبار ورزشی روز مطلع شوید.

گفتگو و تبادل نظر زنده با دیگران

گزارش به نبرد خلق

موضوع کشته شدن آقای ابراهیم اسماعیل مقدم

توسط پاسداران

به اطلاع شما می رسانم که در تاریخ ۳۰/نومابر/۹۹ اطلاع یافتیم که آقای ابراهیم اسماعیل مقدم ۳۰ ساله دارای ۴ فرزند اهل بندرعباس در روز چهارشنبه ۲۶ آبان ۷۸ در ساعت ۶/۳۰ دقیقه در قایق شخصی خودش در منطقه دریایی بندرعباس توسط پاسداران به گلوله بسته می شود و کشته می شود. خواستم این جنایت آخوندی را به اطلاع شما و سازمانهای حقوق بشری و ایرانیان برسانم.

در رابطه با این جنایت فقط یک دادگاه فرمایشی گذاشتند و کسی که تیراندازی کرده را به دادگاه را آوردند ولی فرمانده قایق سپاه که دستور آتش داده ناپدید شده است!! پاسداری که تیراندازی کرده گفته فرمانده گفته اگر نرنی تو را می کشم و من مجبور شدم.

علی حاجی پور از بوخوم آلمان اول دسامبر ۹۹

پیام تبریک

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
با گرمترین سلامها و درودهای انقلابی
برگزاری موفقیت آمیز اجلاس شورای عالی آن سازمان را به
کمیته مرکزی و همه اعضا و کادربهای آن تبریک گفته و
برای تان آرزوی موفقیت داریم.
با ایقان به پیروزی
سازمان مجاهدین خلق ایران
۶ آذر ۱۳۷۸

اخبار کارگری

روزنامه ایران دلیلی ۲۴ آبان: حدود ۵۰۰ نفر از کارگران شرکت تنکابن خزر خز، جاده اصلی تنکابن به نشاط رود را به عنوان اعتراض بستند. علت این اعتصاب این بود که مدیریت شرکت نتوانسته بود به وعده های گذشته خود عمل کند. کارگران کارخانه چرمسازی خواستار حقوق پرداخت نشده ۸ ماهه گذشته شان بودند. آنها پس از آن که فرماندار تنکابن به صحنه آمد و به مدیران گفت پرداخت بدهیهای عقب افتاده به کارگران را تسریع کنند متفرق شدند.

روزنامه همشهری ۲۵ آبان: قریب به ۱۵۰۰ نفر از فرهنگیان شهر تهران که سالهاست به عنوان اعضای تعاونی مسکن منطقه ۴ آموزش و پرورش تهران در انتظار احداث و تحویل واحدهای مسکونی پروژه مسکن فرهنگیان تهران پارس به سر می برند، امروز با تحصن در مقابل ساختمان وزارت تعاون نسبت به عملکرد اعضای هیأت مدیره تعاونی مسکن منطقه ۴ اعتراض کرده و خواستار توجه و رسیدگی مسئولان و دست اندرکاران وزارت تعاون به مشکلات خود شدند، این عده از فرهنگیان تهرانی، نسبت به روند ساخت و ساز، توزیع و واگذاری و قیمتهای تمام شده واحدهای مسکونی پروژه تهران پارس معترض بوده و خواستار برکناری رئیس و اعضای هیأت مدیره پروژه مسکن تهران پارس می باشند.

روزنامه آفتاب امروز ۲۹ آبان: ۱۵۰ نفر از فارغ التحصیلان آزمون استخدامی سال ۷۱ شرکت نفت که بیش از ۵ سال است در انتظار استخدام به سر می برند امروز به عنوان اعتراض در مقابل ساختمان وزارت نفت اجتماع کردند. به گزارش خبرنگار آفتاب امروز حدود ۱۵۰ نفر از شهرهای اهواز، امیدیه، مسجد سلیمان و گچساران که در سال ۷۱ در آزمون استخدامی شرکت پذیرفته شده بودند در اعتراض به این که مدت ۵ سال است توسط مسئولان امور استخدامی شرکت نفت سرگردان شده اند دست به اعتراض زدند.

جمهوری اسلامی ۲۹ آبان: کارگران پیمانکاری و پاسارگادریا پس از ماهها صبر و تلاش برای دریافت حقوق موقه خود برای چندمین بار به مدت نیم ساعت در مقابل ساختمان بخشداری جزیره خارک تجمع نمودند. این تجمع سرانجام با تلاش اداره اطلاعات و بخشداری جزیره خارک خاتمه یافت. برای چندمین بار است که کارگران پیمانکاری دست به اجتماع و تحصن می زنند. تاکنون با وجود تلاشهای اداره کار، بخشداری، نیروی انتظامی و اداره اطلاعات جزیره خارک از پیمانکاری پاسارگاد، جز وعده های سرخرمن پاسخ دیگری واصل نشده است. کارگران در اعتراض به عدم دریافت حقوق ماههای گذشته، قصد تحصن و تجمع دیگری را در روزهای آینده دارند. پیمانکاری پاسارگادریا کارهای خدماتی شرکت نفت فلات قاره در جزیره خارک را انجام می دهد.

جمهوری اسلامی ۲ آذر: سه تن از کارگران معدن ذغال سنگ (النگ) رامیان از توابع شهرستان گنبد بر اثر گازگرفتگی و تخریب تونل شماره ۳ این معدن کشته شدند. اسامی کشته شدگان این حادثه، محمدرضا کهنساری، روح الله سعیدی و نجف منصوری است.

جمهوری اسلامی ۲ آذر: ما کلیه کارگران بیمه ای بیمارستان دکتر شریعتی که زیر نظر شرکت تعاونی خدمات حمل و نقل اداری و پشتیبانی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی تهران مشغول به کار می باشیم. از یک سال قبل طرح کارانه دریافت نمی کنیم و همچنین طرح طبقه بندی مشاغل نیز در این بیمارستان هنوز به اجرا در نیامده است.

جمعی از کارکنان بیمارستان

اخبار اقتصاد ۵ آذر: حدود ۲۵۰ تن از کارگران شرکت قزوین اکباتان شهر صنعتی قزوین در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دستمزد و نیز تعطیلی این شرکت تولیدی، مقابل سازمان بازنشستگی تهران در میدان فاطمی تجمع کردند. یکی از کارگران معترض در این زمینه گفت: شرکت فرش اکباتان قزوین که سازمانهای صنایع ملی و بازنشستگی کشوری سهامداران آن هستند هشت ماه از پرداخت حقوق کارگران خودداری کرده است.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۹ آذر: روز ۶ آذر در درگیری میان ساکنان محله سلمان آباد اردبیل با ماموران نیروی انتظامی و عوامل شهرداری، مردم با آجر و سنگ به ماموران سرکوبگر و خودروهای آنها حمله کردند که در نتیجه دو خودروی دولتی منهدم گشت و یکی از عوامل رژیم مجروح شد. ماموران نیروی انتظامی تعداد زیادی از اهالی که اکثر آنها را نوجوانان تشکیل می دادند، دستگیر کردند. در دادگاه فرمایشی چند دقیقه ای، چند تن از دستگیرشدگان که در میانشان دو پسر ۱۱ و ۱۲ ساله و تعدادی زن به چشم می خوردند، به حبس و شلاق محکوم شدند.

در یک تحول دیگر، از چند هفته پیش بخش اعظم کارکنان و کارگران نیروگاه برق بندرعباس در اعتراض به عدم پرداخت حقوق موقه خود، دست به اعتصاب زده و از خوردن غذا در محل کار خودداری می کنند. این اعتصاب هنوز ادامه دارد. کارگران کارخانه گران سنگ نوشهر نیز از تاریخ ۸ آذر به دلیل عدم دریافت حقوق ۳ ماه خود دست از کار کشیده اند.

اخبار اقتصاد ۱۰ آذر: جمعی از کارگران شرکت عطائیه در اعتراض به تصمیم مدیریت این شرکت در مورد پرداخت نکردن حقوق آنان، دوشنبه این هفته در مقابل اداره کار و امور اجتماعی ساوه اجتماع کردند. ۲۴۰ نفر از کارکنان این شرکت حقوق مهر و آبان سال جاری خود را دریافت نکرده اند.

اخبار اقتصاد ۱۰ آذر: مسئول انجمن اسلامی کارخانه های شهرستان ری می گوید: تعطیلی کارخانه چای جهان موجب بیکاری بیش از ۴۰ کارگر شده است. وی این تعطیلی را غیر قانونی خوانده و ورود بی رویه کالاهای خارجی را یکی از دلایل تعطیلی کارخانه ها دانسته است.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۲۹ آذر: اعتصابهای کارگری و تظاهرات دانشجویی در ۱۳ شهر ایران کارگران کارخانه نساجی مازندران در قائمشهر، از دو هفته پیش در اعتراض به عدم دریافت دستمزدهای خود، در اعتصاب به سر می برند. ۲۰۰۰ کارگر این کارخانه به طور یکپارچه در اعتصاب شرکت کرده اند.

کارگران کارخانه نساجی بارش در اصفهان، در یک حرکت اعتراضی دست به اعتصاب زدند و مدیر عامل و هیأت مدیره این شرکت را برای ساعاتی به گروگان گرفتند. ماموران نیروی انتظامی که از ابتدا در محل حضور یافته بودند، حرکت اعتراضی کارگران را وحشیانه سرکوب کردند. کلیه ۴۵۰ کارگر شرکت چرمسازی خزر خزر در تنکابن در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود دست به تجمع در محوطه کارخانه زدند و از تحویل دادن تولیدات این شرکت جلوگیری کردند.

شهدای فدایی دی ماه

رفقا: فتح الله کریمی - خاطره جمالی - مرتضی حاج شفیعی ها - حسین محمودیان - مرتضی احمدی - سیروس قسیری - محمد زین الدینی - یوسف زرکاری - فاطمه حسن پور اخیل - بهمن روحی آهنگران - مسرور فرهنگ - حسن نوروزی - فاطمه (شمسی) نهانی - شاهرخ موثقی (اولین شهید جنبش دانشجویی خارج کشور) - خدابخش شالی به دست درخیمان شاه و خمینی در مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم از سال ۱۳۵۰ تاکنون به شهادت رسیدند.

در بندر انزلی، کارگران نیروی دریایی با تجمع در مقابل اداره کار علیه اخراجشان اعتراض کردند. این کارگران علیرغم ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه کار، اخراج شده اند.

هفته گذشته صاحبان بیش از ۱۵۰ کارخانه و کارگاه در شهرک صنعتی زنجان در یک حرکت اعتراضی علیه شرکت گاز و استانداری زنجان شرکت کردند.

در بندرعباس به دنبال به اجرا در آمدن مقررات جدید رژیم در مورد حمل مسافر، قایقرانان جزیره قشم به یک اقدام اعتراضی علیه این تصمیم دست زدند و در مقابل صیادان تجمع کردند.

در تهران روز چهارشنبه ۲۴ آذر کارگران شرکت بهمن پلاستیک در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به اعتصاب زدند. روزنامه های تهران روز شنبه ۲۷ آذر خبر دادند که جمع زیادی از دانشجویان دانشگاه ملی (بهشتی) تهران در اعتراض به عدم رسیدگی دولت به وضع بد این دانشگاه، اقدام به تجمع و راهپیمایی در اطراف دانشگاه کردند.

دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، روز ۲۲ آذر گذشته دست به یک تجمع اعتراضی زدند. دانشجویان دانشکده های مهندسی، علوم تربیتی، علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد، در این حرکت اعتراضی با صدور قطعنامه ای از جبار خود را از اعمال فشار گروههای شبه نظامی مستقر در این دانشگاه، ابراز کردند.

در بیرجند ۳۰۰ دانشجوی دانشگاه بیرجند با تجمع در محوطه دانشکده فنی نسبت به نابسامانیهای این دانشگاه اعتراض کردند. برخی از استادان دانشگاه بیرجند نیز در تظاهرات شرکت کردند.

در سمنان ۴ هزار تن از دانشجویان دانشگاه کردستان در اعتراض به عدم رسیدگی دولت به مشکلات این دانشگاه از حضور بر سر کلاسها خودداری کردند. هفته گذشته چند تجمع اعتراضی در این دانشگاه برپا شد.

دانشجویان دانشگاه اصفهان روز ۲۲ آذر در یک حرکت اعتراضی به تظاهرات دست زدند و شیشه های غذاخوری دانشگاه را شکستند. در دانشگاه بوعلی سینا همدان و دانشگاه خلیج فارس بوشهر نیز در گردمانیهای اعتراضی مشابهی صورت گرفت.

دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل از روز ۲۳ آذر دست به یک تحصن اعتراضی در این دانشگاه زده اند و علیرغم مداخله مقامات دانشگاه و استانداری، حاضر به خاتمه دادن به اعتراض خود نشده اند.